



عباس فقط مال شما نیست!

گزارشی از هیأت عشاق العباس (ع)
که به پیشنهاد هموطنان ارمنی راهاندازی شده

شماره چهارم دوشنبه ۱۹ مهر ۱۳۹۵ ۸ محرم ۱۴۳۸

مکن ای صبح طلوع

نوحه‌هایی
که ماندگار شدند



www.qudsonline.ir



ضمیمه هفتگی روزنامه (فجر) ویژه هیأت‌ها و محافل مذهبی

حجت الاسلام سید حسین مؤمنی
در گفت‌وگو با «چهارده»

باروضه

حسین (علیه السلام)

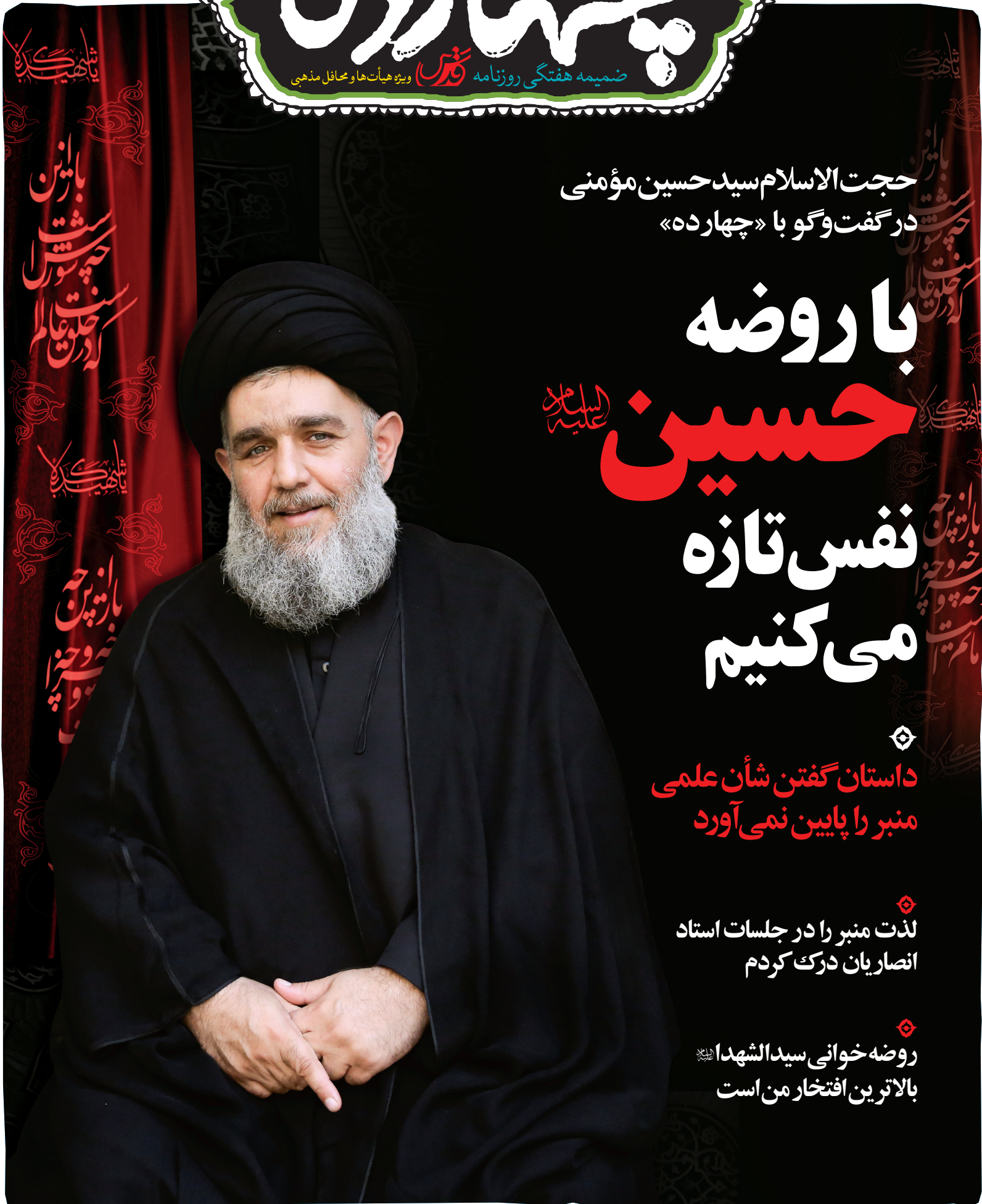
نفس تازه

می‌کنیم

داستان گفتن شأن علمی
منبر را پایین نمی‌آورد

لذت منبر را در جلسات استاد
انصاریان درک کردم

روضه خوانی سیدالشهدا (علیه السلام)
بالاترین افتخار من است





آیت الله جوادی آملی: «محرم برای ما مثل ماه رمضان، ماه عبادت است. اگر انسان در محرم برای امام حسین (علیه السلام) غمگین شود، انگار عبادت کرده. اهتمام ورزیدن به احیای نام حسین عبادت است. سینه زدن ها، گریه کردن ها و ناله های ما باید طوری باشد که این نظام را حفظ کند، بخش وسیعی از فداکاری های شهدای جنگ تحمیلی به واسطه همین مرثیه ها بود».



دنیا مثل آئینه است

آیه ۷ سوره مبارکه اسراء

خدا در آیه ۷ سوره اسراء فرموده: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ لَا تَقْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می کنید و اگر بدی کنید به خودتان بدی می کنید. اگر در برابر آینه خندان باشید، چهره های خندان می بینید و اگر گریان باشید چهره های گریان خواهید دید. این دنیا هم مثل آئینه است. بنابراین همان چیزی را می بینید که هستید و انجام می دهید. «هر دست که دادند همان دست گرفتند». این فرمولی است که قرآن کریم دارد و می گوید اگر خوبی کنید، خوبی می بینید و اگر بدی کنید بدی می بینید.



۱۴ کتاب عاشورایی برای واعظان و مداحان

پیشنهاد منابع معرفتی، تاریخی و ادبی برای اهالی هیأت به فرموده رهبر معظم انقلاب



در ایام ماه محرم همه دل ها و جان ها متوجه حادثه عاشورا و حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است؛ دل های عطش ناک که در انتظار معارف و حقایق ناب از عاشورای ۶۱ هجری است. حال چگونه رفتار کنیم؟ پاسخ این است که ما معممین، همه علمای دین، همه مبلغین و همه ذاکرین باید مسأله عاشورا و مصائب حسین بن علی (علیه السلام) را به صورت یک مسأله جدی و اصلی و به دور از شعار مورد توجه قرار بدهیم. راهش چیست؟ راهش همانی است که مقام معظم رهبری فرمودند: «راهش این است که ما حادثه را از پیرایه های مضر خالی کنیم. چیزهایی وجود دارد که اگر چه پیرایه است اما نه مضر و نه حتی دروغ است. همه کسانی که بخواهند با بیان هنری، حادثه را ترسیم کنند، فقط متن حادثه را نمی گویند. فرض کنید سخنی را که امام (علیه السلام) با یارانش در شب عاشورا گفته است می توانید با این خصوصیات بیان کنید. در تاریکی شب و یا در تاریکی غم انگیز و حزن آور آن شب و از این قبیل. این پیرایه ها نه مضر و نه دروغ است اما بعضی از پیرایه ها دروغند و بعضی از نقل ها خلاف می باشند و حتی آنچه که در بعضی از کتاب ها نوشته شده است، مناسب شأن و لایق مفهوم و معنای نهضت حسینی نیست. اینها را بایستی شناخت و جدا کرد». رهبر انقلاب در همه سال ها و دهه های گذشته در دیدارهای متعدد منابعی را در حوزه های معرفتی، تاریخی و ادبی برای استفاده واعظین، مداحان اهل بیت (علیهم السلام) و اهالی هیأت های مذهبی معرفی کرده اند که آنها را می توانید در اینجا بخوانید.

۱. آیات معرفتی و اخلاقی قرآن

«آشنایی با قرآن و حدیث توصیه ما به همه است اما مبلغان دین و جامعه مداحان طبعاً مخاطب ویژه این حرف هستند. با قرآن باید انس پیدا کنند. قرآن را حتماً بخوانید. با توجه به ترجمه بخوانید. این ترجمه را به یاد بسپارید. در آیاتی که نصیحت هست، متضمن یک معرفتی است که انسان می فهمد آنها را ثبت و ضبط و یادداشت کنید، از آن بهره مند شوید. بگویید، عمل کنید. حدیث هم همین جور». (۹۰/۳/۳)

۲. من لایحضره الفقیه

۳. کلمات حضرت زهرا (علیها السلام)

«خوشبختانه کتب معتبر حدیثی ما امروز همه ترجمه شده است. «کافی» ترجمه شده است، «من لایحضره الفقیه» ترجمه شده است، «نهج البلاغه» ترجمه شده است، کلمات حضرت زهرا (علیها السلام) ترجمه شده است. یعنی اینجور نیست که این متون مخصوص عربی دان ها باشد. نه، عربی دان و غیرعربی دان همه می توانند از این کلمات استفاده کنند. اینها فرصت است. از این فرصت ها باید استفاده کرد». (۹۰/۳/۳۰)

۴. نهج البلاغه

«کتاب معروف «لِهُوف» از سید علی بن موسی بن جعفر بن طاووس است. در تعبیرات منبری های ما عین عبارات این کتاب مثل روایت خوانده می شود از بس متقن و مهم است». (۷۴/۳/۱۹)

۷. ارشاد شیخ مفید

«عاشورا و ماجرای حسین بن علی باید در منبر به شکل سنتی روضه خوانی شود اما نه برای سنت گرایی بلکه از طریق واقعه خوانی. یعنی اینکه شب عاشورا این طور شد، روز عاشورا این طور شد، صبح عاشورا این طور شد. شما ببینید یک حادثه بزرگ به مرور از بین می رود اما حادثه عاشورا به برکت همین خواندن ها با جزئیاتش باقی مانده است. فلان کس این طوری آمد با امام حسین وداع کرد، این طوری شهید شد و این کلمات را بر زبان جاری کرد. واقعه خوانی تا حد ممکن باید متقن باشد. مثلاً در حدود لِهوف ابن طاووس و ارشاد مفید و امثال اینها نه چیزهای من در آوردی واقعه خوانی و روضه خوانی شود». (۷۴/۳/۳)

۸. نفس المهموم شیخ عباس قمی

«اگر برای ذکر مصیبت، کتاب «نفس المهموم» مرحوم محدث قمی را باز کنید و از رو بخوانید، برای مستمع گریه آور است و همان عواطف جوشان را به وجود می آورد. چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان برای مجلس آرایشی کاری کنیم که اصل مجلس عزای فلسفه واقعی اش دور بماند؟!». (۷۲/۳/۱۷)

۹. غزلیات صائب تبریزی

«شما پیوند عاطفی مردم با ائمه را حفظ کنید که یک بخش آن هم مسائل اخلاقی است. یکبار به مناسبت در اینجا گفتم که بعضی از این غزلیات- مثلاً غزلیات صائب- درباره مسائل اخلاقی است. این اهمیت و ارزش کار را نشان می دهد. شاعری که بگوید و مداح و خواننده که آن را بخواند، تأثیر خوبی خواهد گذاشت». (۶۸/۱۰/۲۸)

۱۰. ترکیب بند محتشم

«شعرا بزرگ ما در مدح و عزای ائمه شعر گفته اند. این ۱۲ بند محتشم از لحاظ هنر شعری جزو شعرهای درجه یک است. محتشم دیگر هم شعر به این خوبی ندارد. من دیوان محتشم و غزلیاتش را دیده ام. این ۱۲ بند چیز فوق العاده ای است. از لحاظ شعری حد اعلا شعر است. شعری مثل شعر محتشم در حد بالای هنری سروده شده است». (۷۰/۱۲/۱۳)

۱۱. اشعار عمان سامانی

«در موضوعات مربوط به مرثیه سیدالشهدا و قضایای کربلا خب انسان می بیند زبان حال هایی که گفته می شود، زبان حال های زیادی است. این یک عرصه خیلی خوبی است که از این گونه عرصه ها برای مصیبت خیلی باید استفاده کرد. یا توصیف بعضی از حالات روحی قهرمانان کربلا از جمله شبیه آنچه که عمان سامانی گفته که لحظات رفتن حضرت سیدالشهدا به عرصه میدان را تصویر می کند. حالا چقدر واقعیت دارد من نمی دانم. البته روضه خوان ها می خوانند که حضرت زینب آمدند جلو، راه را گرفتند و گفت و گویی بین این دو بزرگوار انجام گرفت. عمان از این گفت و گو استفاده کرده برای تشریح شخصیت حضرت زینب». (۹۰/۳/۲۵)

۱۲. اشعار آیت الله محمد حسین اصفهانی (مفتقر)

«این همه مناقب اهل بیت (علیهم السلام) در کتاب های معتبر وجود دارد. از آنها استفاده بشود. از گفته های افرادی که خودشان سندنند، ثقه و معتبرند مثل همین شعری که امروز یکی از آقایان از مرحوم آشیخ محمد حسین اصفهانی (مفتقر) خواندند. خب این بزرگوار استاد مجتهدین است. مجتهدین بزرگ و مراجع تقلید بزرگ در فقه و اصول و فلسفه شاگردهای او هستند». (۹۰/۳/۳)

۱۳. آداب منبر در کتاب «لؤلؤ و مرجان»

«محدث عالی مقام مرحوم آقا میرزا حسین نوری (رحمه الله) کتابی به نام «لؤلؤ و مرجان» دارند. دنباله اسم لؤلؤ و مرجان این است؛ در شرایط پله اول و دوم منبر روضه خوانان. ایشان یک کتاب نوشته است که نگویند حالا ما که ادعای علم و اجتهاد و ارشاد مردم را نداریم، فقط روضه خوانیم. سابق که این منبرهای چند پله بود، همه نمی رفتند که آن بالای منبر بنشینند. وعظ درجه اول این کار را می کردند. لکن متوسطان و پایین ها همین پله اول می نشستند و این حرمت را نگه می داشتند. کار خوبی هم بود. حالا هم خوب است که همین مراعات ها بشود». (۶۹/۱/۴)

۱۴. اشعار تاج الشعرا یحیی و دیگر شعرا اردبیل

«من فرصت پیدا کردم و بعضی از اشعار شعرا اردبیل- چه اشعار غزلی شان و چه اشعار حسینی شان- را نگاه کردم. حقا و انصافاً برجسته و بسیار خوب است. با اینکه شعرهای بعضی از شعرا اردبیل مرثیه و مصیبت است اما از جنبه هنری در اوج است. اما اگر مردم و ادبای کشور می فهمیدند می شد تاج الشعرا کشور. این میزان مایه شعری در افراد بسیار بالارش است. وقتی من این گنجینه ادبیات را باز می کنم، با خودم می گویم



حجت الاسلام سید محمد مهدی میر باقری: «موج فتنه ها در جنگ نرم نسل جوان را تهدید می کند و فقط با عاشورا مهار می شود. ایام محرم حقیقتا به منزله شب قدر است و مسیر را کوتاه می کند. اگر یک قطره اشک برای امام حسین (علیه السلام) ریخته شود، ۷۰ سال عمر انسان را تدارک می کند».

عباس فقط مال شما نیست!



گزارشی از هیأت عشاق العباس (علیه السلام) که به پیشنهاد هموطنان ارمنی راه اندازی شده

رضا افراسیابی



حضرت ابوالفضل (علیه السلام) می گوید: «حضرت عباس (علیه السلام) شخصیتی بزرگ و مهربان است که متعلق به همه آزاددهای جهان است. عشق و ارادت هموطنان غیرمسلمان مثل ارمنی ها گواه خوبی بر این مدعاست. حضرت ابوالفضل (علیه السلام) باب الحوائج است و بسیاری از اقلیت های مذهبی به خاطر همین مسأله شیفته این یار باوفای امام حسین (علیه السلام) شده اند».

او اعتقاد محکم ارامنه به حضرت ابوالفضل (علیه السلام) را مثال زدنی می داند و می گوید: «بسیاری از ارامنه با اعتقاد محکمی از حضرت ابوالفضل (علیه السلام) طلب حاجت می کنند. وقتی یک ارمنی حاجت می گیرد، در مراجعه بعدی با سه نفر دیگر به هیأت می آید؛ درست مثل تبلیغ دهان به دهان برای مغازه دارها. بسیاری از ارامنه معتقدند حضرت ابوالفضل (علیه السلام) شخصیتی متعلق به همه آدم هاست و نباید او را به یک دین محدود کنیم».

کودکی که از طبقه سوم افتاد اما زنده ماند

حاجات بسیاری از شیعیان با نظر لطف و عنایت حضرت ابوالفضل (علیه السلام) روا شده اما حاجت گرفتن ارامنه از حضرت عباس اتفاق ساده ای نیست. برای هیأت عشاق العباس (علیه السلام) هم که ارمنی های زیادی در جلسات آن شرکت می کنند اتفاقاتی از این دست کم نیفتاده. حاج مصطفی باغبانی که خاطرات فراوانی از حاجت گرفتن ارمنی ها دارد، می گوید: «یکی از ارامنه که سال هاست به هیأت ما می آید روزی فرزند شش ساله اش از طبقه سوم ساختمان به پایین پرت شد و او که کاری از دستش بر نمی آمد در آن لحظه حضرت ابوالفضل را صدا می زند و به لطف خدا و قمر بنی هاشم (علیه السلام) آن بچه هیچ آسیبی نمی بیند. گویا شاهدین عینی ماجرا و پزشکان درمانگاه هم از این ماجرا تعجب کرده بودند و معتقد بودند معجزه شده».

حاج مصطفی به تاثیر ارادت ارامنه به حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در مراحل گوناگون زندگی نظیر نامگذاری فرزندان شان اشاره می کند و می گوید: «جالب است بدانید که بسیاری از ارامنه اسم فرزند خود را به نام قمر بنی هاشم (علیه السلام) تبرک کرده اند. نام فرزند یکی از دوستان ارمنی ام «مایکل» بود که حالا ابوالفضل شده. عشق به حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در زندگی ارامنه به خوبی قابل مشاهده است».

کلیمی ها هم به هیأت می آیند

عشق و ارادت فراوان ارامنه به حضرت عباس (علیه السلام) نقش مهمی در جذب آنها به این هیأت داشته. البته جمعیت ارامنه محله سنایی تهران در طول سال هایی که از شروع رسمی جلسات هیأت عشاق العباس (علیه السلام) می گذرد هر روز بیشتر می شود. حاج مصطفی باغبانی می گوید: «اسلام دین پرجاذبه ای است و شیعیان باید بیش از هر چیز دیگری برای جذب حداکثری و دفع حداقلی به اهل بیت (علیهم السلام) تلاش کنند. همیشه به دوستانم در هیأت یادآوری می کنم ما همه به خصوص با اقلیت های مذهبی با عزت و احترام برخورد کنند. هدف ما در این هیأت این است که روز به روز بر تعداد عاشقان حضرت ابوالفضل (علیه السلام) اضافه کنیم و تا امروز در این راه موفق بوده ایم». او توصیه ای هم به سایر هیئات مذهبی دارد و می گوید: «ارمنی ها در هیأت باید احساس عزت و سربلندی کنند. این عزت و احترام در هیأت ما از پشتی گذاشتن برای آنها تا جفت کردن کفش شان را شامل می شود. این تکریم ها تاثیر فراوانی در جذب ارامنه به اهل بیت (علیهم السلام) دارد. البته سایر اقلیت های مذهبی مانند کلیمی ها هم به هیأت ما می آیند».

عشق سیدالشهدا (علیه السلام) مرز نمی شناسد و مسلمان و ارمنی یا کلیمی ندارد. همین که روزهای محرم از راه می رسد هیأت های کوچک و بزرگ زیادی در کوچه پس کوچه های شهر قد علم می کنند تا درس آزادی و آزادگی عاشورای سال ۶۱ هجری را مرور کنند. عشق به امام حسین (علیه السلام) با گوشت و خون ما شیعیان عجین شده و ابراز ارادت و عزاداری ما دور از ذهن نیست. اما هیأت هایی هستند که علاوه بر شیعیان، اقلیت های مذهبی هم در برپایی جلسات آنها نقش دارند. یکی از این هیأت ها، هیأت عشاق العباس (علیه السلام) محله سنایی تهران است. البته با توجه به سابقه ارادت عاشقانه ای که این دسته از هموطنان به حضرت ابوالفضل (علیه السلام) دارند، هیأتی بودن آنها موضوع عجیبی نیست. در مطلبی که پیش روی شماست با جزئیات بیشتری از این هیأت آشنا می شوید.

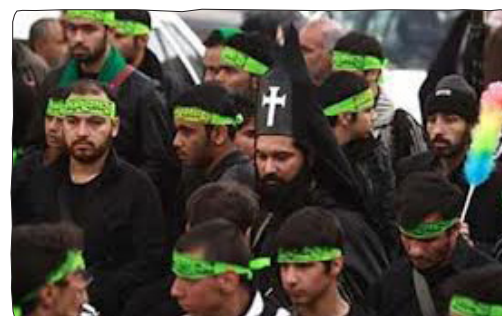


تأسیس هیأت به پیشنهاد ارامنه

مسؤول هیأت عشاق العباس (علیه السلام) از جانبازان روزهای دفاع مقدس است که در عملیات های مختلفی حضور داشته و بارها مجروح شده. حاج مصطفی باغبانی ۲۷ بار زیر تیغ جراحی رفته و حالا که نگاهش کنی، روی صورتش رد پای جنگ را می بینی. او زندگی روی ویلچر را تجربه می کند. آن طور که خودش تعریف می کند در سال ۱۳۷۸ در روز میلاد حضرت عباس (علیه السلام) در محله سنایی که بخشی از ساکنان آن از هموطنان ارمنی هستند مراسم مولودی ای برپا بود که ۵۰ نفر از ارامنه هم در آن شرکت داشتند. در همین زمان آقای بلندقدی بلند شد و رو به من کرد و گفت عباس فقط مال شما نیست، مال ما هم هست. با این حرف او مجلس شور و شعف دیگری به خود گرفت. مدتی بعد ماشین من خراب شد و یکی از دوستانم آن را پیش یک مکانیک ارمنی برد اما وقتی برای تحویل گرفتن ماشین رفت دست خالی برگشت. به او گفته بودند خود صاحب ماشین باید بیاید. این بود که به تعمیرگاه رفتم. مکانیک مدام از مولودی باشکوه چند روز پیش برایم تعریف کرد و گفت ما ارمنی ها هم حضرت عباس را دوست داریم. همتی کن و هیأتی برای حضرت عباس راه بینداز. درخواست او باعث شد تا هیأت عشاق العباس را راه اندازی کنیم و این موضوع سراغ از رابطه دوستانه بین من و تعدادی از ارامنه شد.

برای
ادای احترام
به کربلا رفتیم

یکی از ارامنه محله سنایی که برای زیارت حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) به کربلا رفته، در این هیأت حضور دارد. از او (واهییک) می خواهیم از حس و حالش در کربلا برای ما بگوید: «به هر حال از کودکی در هیأت های عزاداری وصف امام حسین را شنیده بودم و دوست داشتم حرم آن حضرت را از نزدیک ببینم. برای همین وقتی به کربلا رفتم، مثل این بود که در دنیای دیگری بودم. هنوز هم باورم نمی شود. وقتی حرم امام حسین را دیدم، برای رشادت ها و اتسانیتش تعظیم کردم».





۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱

آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی تولیت آستان قدس رضوی: «برای استکبار بسیار مهم است که میزان انگیزه، حساسیت، برخورد و عکس‌العمل مسلمانان را در برابر یک منکر بدانند و بسنجند. زیرا با این سنجش می‌تواند برنامه‌های آینده خود را براساس نوع واکنش، کیفیت و کمیت عکس‌العمل مسلمانان تنظیم کند».



شهر بی وفا

چندین هزار نامه برای امام حسین (علیه السلام) فرستاده شد که به کوفه بیاید و ۱۸ هزار امضا جمع شد و امام را به کوفه دعوت کردند. امام حسین (علیه السلام) وقتی دست‌خط کوفیان را دید، مسلم بن عقیل را به عنوان نماینده خود راهی کوفه کرد. مسلم روز پنجم شوال در میان استقبال کوفیان وارد کوفه شد و تا دهم ذی‌القعدة بزرگان شهر را با امضاهایشان سنجید. سپس در یازدهم ذی‌القعدة پیکی خدمت امام فرستاد که به کوفه بیاید. هشتم ذی‌الحجه شایعه شد امام به کوفه رسیده مردم فوج فوج سمت ۵۰۰ سوار ناقابل‌رفتند. سواران به جای اینکه سمت مسلم بروند به سمت دارالاماره رفتند. وقتی صدای ابن‌زید را شنیدند، فهمیدند فریب خورده‌اند. همان شب ابن‌زید دنبال مسلم گشت و هانی را که میزبان مسلم شده بود به باد شلاق گرفت. ۴۰ هزار نفر با مسلم از کوفه خارج شدند. مسلم نهم ذی‌الحجه در کمین‌گاه خود ۴۵ نفر از یاران ابن‌زید را از پا درآورد. مسلم به وقت دستگیر شدن امان‌نامه گماشته ابن‌زید را نپذیرفت. این بود که او را بالای دارالاماره بردند. مسلم ذکر می‌گفت و به آسمان نگاه می‌کرد. او چشمانش به دروازه شهر بود و می‌گفت: «آقا جان! نیا، کوفیان وفا ندارند».



ورود به میعادگاه

خبر بی‌وفایی کوفیان راه امام را از کوفه کج کرد. چنانچه همه مقاتل نوشته‌اند امام به کاروان خود در منطقه «البیضاء» امر کرد سمت نینوا بروند همه مقاتل به جز «دینوری» که نوشته امام روز اول محرم در نینوا پا گذاشت، بقیه نوشته‌اند که امام روز دوم محرم به نینوا رسید؛ روزی که یک سوار مسلح راه را روی کاروان امام بست. حر بن یزید ریاحی از طرف ابن‌زید حامل نامه‌ای بود که بر امام سخت بگیرد و کاروان آنها را به سوی یک منطقه بی‌آب و علف هدایت کند. کاروان امام وارد کربلا شد و آن حضرت خطاب به یاران خود فرمود: «پنج‌ام میعادگاه است. می‌دانم الان اگر با حر جنگ نکنیم وضع‌مان بدتر می‌شود اما من نمی‌خواهم آغازکننده نبرد باشم».



داغ سه ساله

روز سوم محرم زخم خورده ناله خفیف و مستمر رقیه است. «عوالم‌العلوم»، «جساد جویبان»، «نور الشهادة» و «فلس‌المهموم» از جمله منابعی هستند که خبر از حضور رقیه سه ساله داده‌اند؛ دختری که به گواه «جامع‌المقاتل» یکی از کسانی بود که سوزناک‌ترین لحظات کربلا را رقم زد. دختر سه ساله امام بی‌شک و وابسته به پدر بود و وقتی تشنه شد لب‌ها را صداداد و بعد از شهادت پدر زانوی غم بغل گرفت و در نهایت از فرط فشارهایی که بر روح و جسمش وارد شد در خرابه‌های شام در حالی که عملش زینب‌الکبری را صدا می‌زد از درد سیلی دشمن شهید شد. همه ساله در روز سوم محرم همه شیعیان به داغ کودک سه ساله امام اشک می‌ریزند.

۱۱ مجلس سوگواری که برای شهادت اباعبدالله (علیه السلام) و یارانش برپا می‌شود

کربلا مجلس تعزیه‌هاست

امین خواجوی

هیأت‌های عزاداری با سنت خاصی هر روز محرم را به یک مجلس عزاداری اختصاص می‌دهند؛ سنتی که از آن به «ردیف نوحه» یاد می‌شود. ردیف نوحه از این قرار است که روز اول، مجلس مسلم بن عقیل است، روز دوم مجلس ورود کاروان امام به کربلاست، روز سوم مجلس حضرت رقیه است و روز چهارم مجلس طفلان زینب. روز پنجم مجلس عبدالله بن الحسن (علیه السلام) است و روز ششم مجلس قاسم بن الحسن (علیه السلام). روز قبل از تاسوعا روضه علی اکبر (علیه السلام) خوانده می‌شود و روز تاسوعا روز غربت حضرت عباس (علیه السلام) است و ماجرای امان‌نامه ابن‌سعد، شرمندگی آن حضرت و بعد هم شهادت جانشینش. روز عاشورا هم مجلس توصیف مبارزه تا پای جان اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است تا نوبت دردهای حضرت زینب (علیه السلام) در روز یازدهم برسد.





حجت الاسلام والمسلمین حسینی معاون تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی: «همزمان با ایام سوگواری سید و سالار شهیدان، ۱۰ هزار قرآن رحلی ویژه آستان قدس رضوی به منظور تسهیل در امر قرائت قرآن زائرین بارگاه منور علی بن موسی الرضا (علیه السلام) چاپ و برای بهره‌مندی زائرین در اماکن متبرکه رضوی قرار گرفت».



مجلس غریب

طبق رسوم اعراب جوانان به فراخور درجه‌ای که داشتند به نوبت وارد میدان می‌شدند. پس از شهادت خاندان عقیل، عقیله بنی‌هاشم دو فرزندش عون و محمد را برای جانفشانی به محضر اباعبدالله (علیه السلام) فرستاد. بسیاری از مقاتل از جمله «نفس المهموم» از حال عجیب حضرت زینب (علیه السلام) هنگام مبارزه فرزندانش حکایت کرده‌اند. به گواه تاریخ آن حضرت هنگام شهادت هر یک از یاران امام به کمک آنها می‌شتافت اما هنگام شهادت دو فرزندش که از نام‌آوران میدان بودند به میدان نرفت تا نکند امام چهره غمگینش را در سوگ فرزندانش ببیند و محزون شود.



مجلس عبدالله بن الحسن (علیه السلام)

وقتی امام حسین (علیه السلام) از اسب به زمین افتاد، اسب بی‌صاحب او به خیمه‌ها برگشت و اهل حرم فهمیدند حادثه‌ای سهمگین برای او اتفاق افتاده. هر کسی به طریقی در آن کارزار واکنش نشان می‌داد. یکی از حاضرین پسر ۱۱ ساله امام حسن (علیه السلام) بود که در دامن امام حسین (علیه السلام) تربیت شده بود. مقام معظم رهبری درباره صحنه شهادت عبدالله بن الحسن (علیه السلام) فرموده: «هنگامی که این بچه رسید یکی از سربازان حبیب و قسی‌القلب ابن‌زید شمشیر را بلند کرده بود که بر بدن مجروح اباعبدالله (علیه السلام) فرود بیاورد. این بچه در همین حال رسید که دید عمویش افتاده روی زمین و یک ظالمی هم شمشیر بلند کرده که فرود بیاورد. این بچه آنقدر ناراحت شد، آنقدر سراسیمه شد که دست‌های کوچک خودش را بی‌اختیار جلوی شمشیر گرفت اما این کار موجب نشد که آن حیوان درنده شمشیر را فرود نیاورد. شمشیر را فرود آورد و دست این بچه قطع شد. فریاد این بچه بلند شد و بنا کرد استغاثه کردن اما این گرگ خونخوار به همین هم اکتفا نکرد. پشت سر این بچه رفت. بچه ۱۱ ساله را روی زمین انداخت و او را به شهادت رساند».



طعم شهادت

در مجلس ششم روضه طعم شهادت دارد؛ شهادت قاسم بن الحسن (علیه السلام). این ماجرا از زبان ابوحزمه ثمالی یکی از یاران خاص امام سجاد (علیه السلام) در کتاب «مدینه المعاجز» سیدهاشم بحرانی این‌طور نقل شده: «وقتی امام حسین (علیه السلام) خبر شهادت همه یارانش را در میان اهالی حرم اعلام کرد، قاسم بن الحسن (علیه السلام) پیش او رفت و اجازه رفتن به میدان خواست. اما از او پرسید فرزندم مرگ نزد تو چگونه است، که قاسم جواب داد شیرین‌تر از عسل. بعد از شهادت علی‌اکبر (علیه السلام) نوبت به قاسم بن الحسن (علیه السلام) رسید. امام نخست اجازه نداد اما قاسم اصرار کرد و در نهایت وارد میدان شد و طعم شیرین‌تر از عسل شهادت را در راه امام زاننش چشید».



سرباز در قنداق

وقتی یک به یک یاران امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسیدند، امام با صدایی رسا اعلام کرد: «ایا کسی هست که از حرم رسول‌الله دفاع کند؟ ایا در میان شما کسی پیدا می‌شود که از خدا بترسد و بر ما ستم روا ندارد؟ ایا فریادرسی هست که برای خدا به فریاد ما برسد؟ ایا یاری‌کننده‌ای هست که با امید به عنایت خداوند به یاری ما برخیزد؟» آنکه رباب فرزند در قنداقش را به آغوش امام سپرد. امام در گوش علی‌اصغر (علیه السلام) اذان گفت و با دلی پر خون راهی میدان شد و طفل شیرخوارش را مقابل لشکر دشمن بالای دستش گرفت. به گواه مقتل لهوف حمله یکی از تیراندازان قهار ابن‌زید تیر سه شعبه‌ای را در کمان گذاشت و راهی گلوی طفل شیرخوار امام کرد و علی‌اصغر (علیه السلام) در دستان پدرش لب‌تشنه جان سپرد.



شبه‌ترین مردم به نبی اکرم (صلی الله علیه و آله)

روز هشتم محرم مجلس روضه بزرگ‌ترین پسر امام حسین (علیه السلام) است که وقتی به میدان نبرد پا گذاشت امام در وصفش فرمود: «خداوند اگواه باش جوانی برای جنگ با دشمن می‌رود که شبه‌ترین مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جهت صورت و سیرت و سخن گفتن است و ما هرگاه مشتاق دیدار پیامبر می‌شدیم، به او نگاه می‌کردیم». حضرت علی‌اکبر (علیه السلام) مودن کاروان و مسؤول ابرسانی به اهل حرم بود.



شهادت پرچمدار

بعد از ظهر عاشورا در آن غربت فراگیر میدان نبرد وقتی غبار خوابیده بود، سکوت زمین به آسمان طعنه می‌زد. حضرت عباس (علیه السلام) سوی امام حسین (علیه السلام) رفت و به گفته شهید مطهری خطاب به امام گفت: «سینه‌ام تنگی می‌کند و از زندگی سیر گشته‌ام». امام در پاسخ فرمود: «اندکی برای طفلان حرم آب تهیه کن». قمر بنی‌هاشم بعد از فرمان امام مشک به دوش گرفت و راهی شد. به نوشته لهوف، حضرت ابوالفضل (علیه السلام) وقتی به فرات رفت، جرعه آبی در کف گرفت و نزدیک لب‌های خود برد اما نیاشامید و آن را به فرات برگرداند. پرچمدار کاروان امام بی‌وفایی نکرد و با لب‌های خشکیده مشک را پر کرد و راهی خیمه‌گاه شد اما... ضربه نخست دست راستش را قطع کرد و ضربه بعدی دست چپش را. قمر بنی‌هاشم اراده کرده بود اگر دستانش هم قطع شود آب را به طفلان حرم برساند. برای همین مشک را به دندان گرفت اما وقتی عمود بر فرق سرش فرود آمد نه چشم دیدن داشت و نه دندانانش قوت گرفتن مشک را داشت.



پای جان

بعد از شهادت حضرت عباس (علیه السلام) امام بود و میدان و سکوت بود و دشمنان. همه مقاتل از اینکه دشمن تا لحظه آخر طفره می‌رفت امام را شهید نکند خبر داده‌اند. هیچ‌کس جرأت نداشت نسبت به امام تعرض کند اما امان از شمر و سنان بلاذری خبر شهادت امام را چنین نوشته: «امام برای طفلان حرم دوباره سمت آب رفت. تیری سمت او پرتاب شد. شمر سراغ امام رفت. امام فرمود اگر دین نداری لااقل ازاده باش. در همین حین دستور حمله پیاده‌نظام صادر شد و امام از پا درآمد. صدای اهالی حرم بالا رفت. شمر و سنان نه دین داشتند و نه ازاده بودند. امام تا پای جان ایستاد».



شیرزن

رسم است روز یازدهم محرم روضه خروج خوانده می‌شود؛ روضه خروج حضرت زینب (علیه السلام) از خیمه‌ها. رسم است روضه اسارت خوانده شود. روضه غصه و تنهایی و غربت. رسم است احوالات حضرت زینب (علیه السلام) بعد از واقعه خوانده شود. زنی که در میان ناهلان تنها بود و دلش یک دنیا درد داشت. حضرت زینب (علیه السلام) باید بچه‌ها را آرام می‌کرد و به زن‌ها دلداری می‌داد و از امام سجاد (علیه السلام) پرستاری می‌کرد. به نوشته لهوف او در انتهای شب نماز شب خواند اما نشسته



مکن ای صبح طلوع

ترنم صادقی

محرم که از راه می رسد کلمات و واژه‌ها بوی عطر عجیبی می گیرند؛
واژه‌ها و اشعاری که اوج عاشقی دلباختگان به سید الشهدا علیه السلام است
و سال‌های سال ماندگار می شود. چون این اشعار بایاتی ساده و
سرشار از احساس پر از مضامین و مفاهیم دینی است که با سرشت
شیعیان عجم شده همراه با مانوچه‌های ماندگاری که در ایام
محرم بیشتر شنیده می شوند و دل‌ها را منقلب می کنند مرور کنید.

ممکن ای صبح طلوع



ساعات آخر تاسوعا وقتی ابعاد الله الحسین علیه السلام شبی را از دشمن فرصت می گیرد، زمین و زمان از گذر ثانیه ها و لحظات شب عاشور ابا دارند. انگار همه آدم ها سینه زن صا می زنند: «مشی را شه دین در حرمش مهمان است اظهر فر دینش زیر سر اسبان است». بعد هم کائنات دم می گیرد که: «هر کی صبح طلوع، ممکن ای صبح طلوع»، این ایات که استیصال و وهام های فراگیر را در زمانی ساده بیان می کنند، قاطع معلوم نیست و سه رده کیهان است که مشهور است این ایات قطعی ای را شعر بلند می هستند که پدر ایالت بهجت سروده به حرم کربلای محمود بهجت غیر از این شعر، ایات ماندگار دیگری نیز منسوب است، مانند شعر: «بر شمشاهی، رسد هر لحظه ی تو کربلا».

ای اهل حرم میر و علمدار نیامد



یکی از معروف ترین نوحه‌هایی که شب تاسوعا خوانده می‌شود نوحه «ای اهل حرم میر و علمدار نیامد» است. این نوحه با زبان لطیف و استوار در رثای حضرت عباس (علیه السلام) است. بخش اول این نوحه را مشخص نیست چه کسی و در چه سالی سروده اما آنچه امروز در هیأت‌های مذهبی خوانده می‌شود سروده محمدجواد غفورزاده متخلص به «شفق» است. او در سال ۱۳۲۲ در مشهد به دنیا آمد و در دوران دبیرستان آرام آرام سرود. اشعار «شفق» دارای ساختاری مستحکم و نظام‌مندند و در عین حال بیانی سبیل و متنوع دارند به گونه‌ای که مضامین آئینی بدون هیچ پیچیدگی و دشواری زبانی در آن قرار می‌گیرند.

ای اهل حرم میر و علمدار نیامد / سقای حرم سید و سالار نیامد
 علمدار نیامد، علمدار نیامد
 ای همسفران ماه نه هانسمیان کو / آرام دل و دیده و آرامش جان کو
 آینه عشق از یی دیدار نیامد / علمدار نیامد، علمدار نیامد
 دل های پریشان شده شیرازه ندارد / گنجایش اندوه و غم تازه ندارد
 دل خون خست و مجنون شد و دلدار نیامد / علمدار نیامد، علمدار نیامد



آن گل که چمن عاشق بوسیدن او بود/ آن ماه که ما را هوس دیدن او بود
صد بار به ما سر زد و این بار نیامد/ علمدار نیامد، علمدار نیامد
برگرد عمو! دل هوس آب ندارد/ امشب به خدا دیده ما خواب ندارد
ای پدگان محرم اسرار نیامد/ علمدار نیامد، علمدار نیامد

اوهى اويونو منى اوولم

وقتی اسب اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بدون سوار به خیمه کاه برمی گردد، اهل حرم مات می شوند. عالم اندوهگین می شود و آفتاب به زمین می آید. یکی از اشعاری که توانسته ماتم سراسری و اندوه بی انتقطاع آن لحظات را به تصویر بکشد شعر «او می دود و من می دویدم» سروده حجت الاسلام مرحوم کوثری است. او که در سال ۱۳۰۷ به دنیا آمد، یکی از تاثیرگذار ترین نوحه سرایان و نوحه خوانان معاصر بود. همان کسی که در محضر امام خمینی (ره) نوحه خوانی می کرد و اغلب نوحه هایی که می خواند سروده خودش بود.



گفتم کجا، گفتا به خون / گفتم چه وقت، گفتا کنون
 گفتم چه وقت، گفتا کنون / گفتم سبب، گفتا جنون
 گفتم نرو، خندید و رفت / گفتم سبب، گفتا جنون
 گفتم که بود، گفتا که یار / گفتم چه گفت، گفتا قرار
 گفتم چه گفت، گفتا قرار / گفتم چه زد، گفتا شرار
 گفتم بمان، نشدید و رفت / گفتم چه زد، گفتا شرار
 آن دم بریدم از زندگی دل / گامد به مسلخ شمر سیه‌دل
 او می‌دوید و من می‌دویدم / او سوی مقتل، من سوی قاتل
 او می‌نشست و من می‌نشستم / او روی سینه، من در مقابل
 او می‌کشید و من می‌کشیدم / او از کمر تیغ، من آه باطل
 او می‌برد و من می‌بریدم / او از حسین سر، من غیر از او دل

ہمہ جا کر بلاست

«همه جا کربلاست / همه جا نینواست». این نوحه یکی از نوحه‌هایی است که در روزهای اول ماه محرم خوانده می‌شود و سروده استاد غلامرضا سازگار است. او در کودکی تحت تأثیر فرزند آیت‌الله مرعشی به امام حسین (علیه السلام) متوسل و مقدمات نوحه‌خوانی و نوحه‌سرای را فراهم شد. اغلب اشعار غلامرضا سازگار از نوحه‌های ماندگارند که سالها، سال است در مراسم عزاداری و زیاره می‌شوند.

حجت بن الحسن این هلال عزاست / نفس فاطمه بانگ وایلاست
همه جا کربلاست، همه جا نینواست
ماه خون، ماه اشک، ماه ماتم شده / شور محشر به پاست یا محرم شده
همه جا کربلاست، همه جا نینواست
ماه قتل حسین، ماه خون خداست / بدنش غرق خون، سرش از تن
خداست

همه جا کربلاست، همه جا نینواست
ماه ام‌البنین، ماه دوفاطمه / می‌شود تشنه لب کشته در علقمه
همه جا کربلاست، همه جا نینواست
روزی دست حسین غنچه پر پر شود / هدف تیر کین حلق اصغر شود
همه جا کربلاست، همه جا نینواست
ماه لیلا شود غرق خون نقش خاک / بارخ لاله‌گون باتن
چاک چاک
همه جا کربلاست، همه جا نینواست
ای محرم ز خون خبر آورده‌ای /
خبر از پیکر بی‌سر آورده‌ای
همه جا کربلاست، همه جا
نینواست





عبدالرضا هلالی: «اگر عاشورا را همان طور که در کتب اصیل شیعه نقل شده معرفی کنیم، بسیاری از مردم دنیا به امام حسین (علیه السلام) علاقه مند می شوند. عرض ارادت ادیان و مذاهب مختلف به ساحت ابا عبدالله نشان می دهد پیام سیدالشهدا (علیه السلام) با تمام بشر در گیر بوده و همه مذاهب به این مرام و منش احترام می گذارند».



مروری بر مهم ترین مقاتلی که درباره امام حسین (علیه السلام) نوشته شده

کتاب هایی که بوی سیب می دهند

♦ مرجان خسروی

«مقتل» در لغت به معنای محل قتل است و در اصطلاح به چگونگی شهادت ائمه اشاره دارد. اما از آنجا که واقعه عاشورا یکی از مهم ترین و تاثیر گذار ترین رخداد های تاریخی است، بیشترین مقاتل درباره چگونگی شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش نوشته شده؛ کتاب های تاریخی ای که گاهی اتفاقات نادرست و تحریفاتی از این واقعه مهم در آنها دیده می شود. در این مطلب سعی شده برخی از کتاب های معتبری که در این زمینه نوشته شده و مورد تایید علما و محققین است معرفی شود.



راویان وقایع روز عاشورا شش گروه هستند که بعدها اکثر مقاتل براساس نقل قول آنها نوشته شده:

- ♦ کسانی که در سپاه امام بودند و به دلایل مختلف به شهادت نرسیدند. مانند امام سجاد (علیه السلام) حضرت زینب (علیه السلام) ضحاک بن عبدالله و...
- ♦ دو نفر از قبیله بنی اسد که به عنوان مخبر از مکه نظاره گر اقدامات امام بودند.
- ♦ حمید بن مسلم به عنوان مخبر سپاه عمر بن سعد که از هنگام ورود امام به کربلا جریان را گزارش کرد. او علی رغم اینکه در سپاه دشمن بود اما موضع گیری های مثبتی به نفع امام داشت.
- ♦ افرادی که در سپاه دشمن بودند و در جنگ حضور داشتند.
- ♦ افراد موثق که به دلیل همزمانی و عظمت واقعه عاشورا از حوادث کربلا مطلع شدند و آن را نقل کردند.
- ♦ احادیثی که ائمه (علیهم السلام) بعد از عاشورا نقل کردند، مانند احادیث امام رضا (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام)



مقتل الحسین (علیه السلام)
نویسنده: لوط بن یحیی ازدی
دوره نگارش: قرن دوم

لوط بن یحیی ازدی مشهور به «ابومخنف» از علمای علم تاریخ و از اصحاب ائمه (علیهم السلام) در نیمه اول قرن هجری در کوفه به دنیا آمد و در سال ۱۵۷ یا ۱۵۸ هجری در گذشت. پدر او از یاران امیرالمومنین (علیه السلام) و جدش مخنف بن سلیم یا سالم از صحابه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بود. ابومخنف از مورخین نامدار صدر اسلام است که نخستین کتاب مستقل درباره قیام امام حسین (علیه السلام) را نوشت. برای همین می توان گفت «مقتل الحسین» ابومخنف نخستین مقتل است که ۶۰ سال بعد از واقعه عاشورا نوشته شده. مقتل ابومخنف معتبر ترین مقاتل امام حسین (علیه السلام) است چرا که برخی از احادیث را از امام صادق (علیه السلام) نقل قول کرده و بسیاری از مطالب را از شاهدین واقعه کربلا یا یک یا دو واسطه نگاشته است. اتفاق مهمی که برای این کتاب افتاد این بود که مانند دیگر کتب بارز از ابومخنف نابود شد و هیچ نسخه ای از آن باقی نماند.



لهوف
نویسنده: رضی الدین ابوالقاسم
علی بن جعفر بن طاووس
دوره نگارش: قرن هفتم



رضی الدین ابوالقاسم از علما و عرفای بلندمرتبه شیعه است که دهها عنوان کتاب دارد. لهوف که نام اصلی اش «اللهوف علی قتلی الطفوف» است یکی از مهم ترین منابع مهم تاریخی و روایی شیعه درباره امام حسین (علیه السلام) به شمار می آید. ابن طاووس این کتاب را برای زائرین امام حسین تألیف کرده. برای همین یکی از مواردی که در آن در نظر گرفته، وقت کم مسافران است. به همین دلیل آن را به گونه ای نوشته که مسافران در زمان محدود مسافرت آن را مطالعه کنند. به نظر خود ابن طاووس هر کس از ترتیب و نگارش این کتاب آگاه شود، با اختصار و حجم اندکی که دارد می داند که با دیگر کتاب ها متفاوت است و دارای مزیت هایی است. در «لهوف» هر چند روایات کتاب بدون سند ذکر شده اند اما با این وجود مورد اعتماد شیعه هستند.



مثیر الاحزان
نویسنده: علامه ابن نما حلی
دوره نگارش: قرن هفتم

نام کاملش «مثیر الاحزان و منیر سبل الأشجان» است که ابن نما حلی از علمای بزرگ و فقه های شیعه آن را نوشته. او بعد از سال ها تلاش در راه خدمت به نشر آثار ائمه، در ۷۸ سالگی در شهر حله رحلت کرد. «مثیر الاحزان» کتابی تاریخی و روایی درباره قیام امام حسین (علیه السلام) است که سه مقصد یا بخش دارد. مقصد اول شامل گزارشی از قیام امام تا ورود به کربلاست. مقصد دوم درباره رخدادهای کربلا تا شهادت آن حضرت و مقصد سوم شرح وقایع پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) را بازگو می کند؛ از رفتن اسرا به کوفه و شام و مدینه گرفته تا سخنان حضرت زینب (علیه السلام)، امام سجاد (علیه السلام) و دیگران.



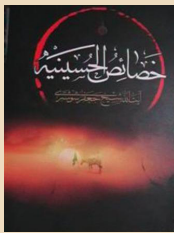
مقتل بحار الانوار
نویسنده: علامه محمد باقر مجلسی
دوره نگارش: قرن یازدهم

کتاب «بحار الانوار» مفصل ترین مجموعه حدیثی شیعه است که علامه مجلسی با یاری گروهی از شاگردان خود آن را گردآوری کرد. علامه مجلسی بخشی از جلد ۴۴ و همه جلد ۴۵ یعنی بیش از یک و نیم جلد از «بحار الانوار» را به زندگانی امام حسین (علیه السلام) و شهادت او و حوادث پس از شهادت آن حضرت در قالب ۲۷ باب اختصاص داد. به این بخش از کتاب که نگارش آن در ربیع الاول سال ۱۰۷۹ هجری به پایان رسیده «مقتل بحار الانوار» گفته می شود. بعد از آن هم به تصحیح محمد باقر بهبودی، سیدابراهیم میانجی و سید محمد مهدی موسوی خراسان در کتابی مستقل به زبان عربی به چاپ رسید.



نفس المهموم
نویسنده: شیخ عباس قمی
دوره نگارش: قرن چهاردهم

«نفس المهموم» کتابی خوشخوان و خوش تدوین درباره امام حسین (علیه السلام) است که قیام آن حضرت را با نظر رایج شیعه بیان می کند و نشان دهنده اوج تسلط یک عالم بر تاریخ و مقتل و روایت است. این کتاب حاصل جمع کتاب های گذشتگان است و همان طور که نویسنده ابتدای کتاب می گوید در آن مطالبی را که خود قبول دارد و صحیح می داند نقل کرده. برای همین می توان می گفت این مقتل کتاب جامعی است که به هیچ وجه گزافه گویی و باطیل و حرف اشتباه ندارد. تا حدی که بعد از مقتل «نفس المهموم» و «منتهی الآمال» شیخ عباس قمی که روایتی از زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) است، بیشتر مقاتل بعد از آن از مطالب این کتاب بهره برده اند. ترجمه «نفس المهموم» به فارسی را نخستین بار آیت الله ابوالحسن شعرانی با عنوان «دمع السجوم» و ترجمه دیگر آن را آیت الله محمد باقر کمرهای انجام داده.



خصائص الحسينیه
نویسنده: آیت الله شیخ جعفر شوشتری
دوره نگارش: قرن سیزدهم

آیت الله شیخ جعفر شوشتری از مراجع تقلید و واعظین و خطبای عصر خود بود و کتاب «خصائص الحسينیه» را آن طور که در ابتدای کتاب گفته، پس از ۶۰ سالگی نوشت. این کتاب که نام دقیق آن «خصائص الحسین (علیه السلام) و مزایا المظلوم» است، با مقتل های دیگر امام حسین (علیه السلام) تفاوت دارد چرا که این کتاب درباره تاریخ نگاری قیام ابا عبدالله نیست بلکه شرح حال نگاری شخصیت و خصایص آن حضرت است. به همین دلیل کتاب آیت الله شوشتری اثر کم مانند و کمابیش ابتکاری است. این عالم بزرگ توانسته در این کتاب برخی از ابعاد شخصیت امام سوم شیعیان را کشف و معرفی کند و از مسائلی سخن بگوید که دیگران نگفته بودند.



همزمان با آغاز ماه محرم، نمایشگاه‌های گوناگون منابع مطالعاتی در برخی از کتابخانه‌های آستان قدس رضوی در کشور دایر شد. در این نمایشگاه‌ها منتخبی از منابع چاپی و دیجیتال قابل امانت این کتابخانه‌ها با موضوع زندگی امام حسین (علیه السلام) و اصحاب و یاران باوفایش، فلسفه نهضت عاشورا، حضرت زینب (علیها السلام)، امام سجاد (علیه السلام) و حضرت ابوالفضل (علیه السلام) به نمایش گذاشته شد.

حاجی‌نویس

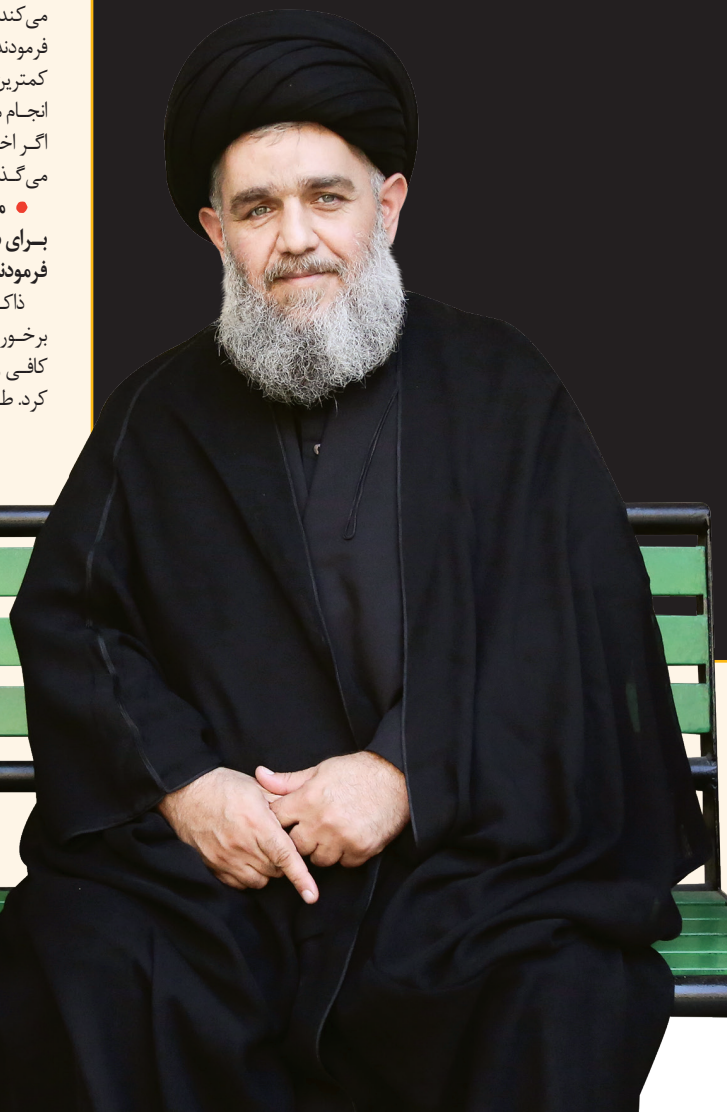
حجت الاسلام سید حسین مؤمنی
در گفت و گو با «چهارده»

باروضه حسین (علیه السلام)

نفس تازه می‌کنیم

مجتبی برزگر

چند سالی می‌شود که جزو منبری‌های پرمخاطب شده اما ۲۰ سالی است طلاب حوزه علمیه قم پای درسش می‌نشینند. هم‌اکنون او پررنگ‌تر از هر چیزی روضه‌های اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است. از هر هیأتی‌ای پرسید اولین چیزی که در مورد او می‌گوید کار بلدیش در روضه خوانی است چرا که می‌داند چطور مستمع را قدم به قدم با خودش همراه کند. حجت الاسلام سید حسین مؤمنی در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شد. صحبت‌های داستان محور او در بالای منبر بسیاری از مستمعین را می‌خکوب می‌کند و خیلی‌ها جذب منبرهای او شده‌اند. امسال نیز هیأتی‌های زیادی مشتاقانه پای منبر حجت الاسلام مؤمنی می‌نشینند. در یکی از این هیأت‌ها ساعتی با او هم‌کلام شدیم که مهر باتانه و باروی باز مصاحبه با ما را پذیرفت.



• چرا هیأت‌های ما مداح‌محورند تا منبری‌محور؟ فرضا می‌گویند این هیأت، هیأت فلان مداح است. با توجه به حضور منبری‌های توانمندی همچون شما و شیخ حسین انصاریان چرا این اتفاق می‌افتد؟

سوال شما پاسخ ساده‌ای دارد اما به نظر من نسبت به آسیب‌هایی که در بسیاری از بخش‌ها وجود دارد این مسأله آسیب به حساب نمی‌آید. متأسفانه امروز شاهد حرکت‌های ضدفرهنگی در ورزش هستیم که یک‌صدم آن را در جلسات اهل بیت (علیهم السلام) نمی‌بینیم. هرجا بیرقی بلند شود و به نام هر کسی که باشد اصلاً اشکالی ندارد که مثلاً بگوییم هیأت حاج منصور ارضی یا حاج سعید حدادیان است. هر هیأتی یک بانی شخصی دارد. حالا هر کس این بیرق را بلند کند، باید به فال نیک گرفته شود. موافق این فرمایش شما نیستیم که فلان هیأت مداح‌محور است. زیرا یک هیأت مرکب از چند عنصر است که شامل پیش‌منبر، منبر و پس‌منبر است. حالا ممکن است یکی با حرکت‌های کیفی و مطلوب به اوج برسد و دیگری به اوج نرسد و فرضا دیده نشود. چیزی که اهمیت دارد، اهتزاز بیرق اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است.

• اما بعضی این را آسیب می‌دانند. به نظر شما اصلاً چرا مداحان در جذب مستمعین از منبری‌های جلوترند و به تعبیر دیگر برای مستمعین مداحی مهم‌تر از منبری است؟

این بحثی نیست که بخواهد در رسانه‌ها مطرح شود. باید ببینیم این آسیب از کجاست. وقتی مسؤولان یا بانیان هیأت‌ها برای منبری‌ها جایگاهی قائل نیستند که حداقل فضایی را در اختیار آنها بگذارند، همین می‌شود. در حال حاضر افتخار ما بر کثرت حسینیه‌ها، فرهنگسراها و برخی از محیط‌های فرهنگی است در حالی که این آسیب اصلی است که جامعه را تهدید می‌کند. ما باید مساجد را تقویت کنیم. حضرت امام (رحمه الله) فرمودند مسجد سنگر است ولی نسبت به این سنگر کمترین اهتمامی ورزیده نمی‌شود! ما وظیفه خودمان را انجام می‌دهیم و بقیه چیزها را به خدا واگذار کرده‌ایم. اگر اخلاص در کار ما باشد، به نظرم اثر خودش را می‌گذارد.

• مقام معظم رهبری اخیراً به نقشه جدید دشمنان برای سوءاستفاده از عزاداری‌های نادرست اشاره فرمودند. لطفاً کمی در این خصوص صحبت کنید. ذاکر و مداح اهل بیت (علیهم السلام) از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. چون از این فرصت می‌توان بهره کافی را برد و اقبال مردم را به سمت دین بیشتر کرد. طبیعی است چنین موضوعی با تهدیداتی روبه‌رو

شود. وقتی دشمن می‌بیند نمی‌تواند مردم ایران را از مجالس و هیأت‌های حسینی جدا کند، روی محتوا تأثیر می‌گذارد چرا که از تأثیرگذاری محتوای هیأت‌ها می‌ترسد. حضرت آقا دوراندیشی کردند و به این موضوع پرداختند. چون واقعا این تهدیدات وجود دارد و می‌تواند بر تضعیف محتوای هیأت‌های حسینی تأثیر بگذارد.

• یک منبری موفق چه کارهایی باید انجام دهد؟

در زمینه خطابه دو بخش وجود دارد. یک بخش عرشی است و دیگری فرشی. در حال حاضر نمی‌توان گفت خطیب مستغنی از فقه و اصول است و سخنران باید در عرصه اجتهاد دستی بر آتش داشته باشد. همیشه به افرادی که در این عرصه حضور پیدا می‌کنند توصیه می‌کنم که دستی در فقه و اصول داشته باشند تا به واسطه اجتهاد در فقه و اصول بتوانند ورود و خروج از مطالب علمی را به بهترین شکل ممکن داشته باشند. در زمینه فعالیت فرشی گذشته از اینکه باید به درس و بحث اهمیت بدهند، باید تفسیر، نهج‌البلاغه، صحیفه سجاده و روایات را مطالعه کنند. طلاب باید کتاب‌های شهید دستغیب و شهید مطهری را بخوانند. البته این کتب طلاب را از مطالعه سایر آثار بی‌نیاز نمی‌کند. ثمره این مطالعات این است که منبری‌ها هیچ‌گاه در موضوع خود وانمی‌مانند و همیشه موضوع منابر خود را به راحتی با یک مرور کوتاه پیدا می‌کنند و در هر مکان و زمانی سخنی تازه و ناب دارند که می‌تواند به بهترین شکل تأثیرگذاری خود را داشته باشد. در زمینه خطابه‌های عرشی نیز اهل منبر باید ارتباطی مستمر با اهل بیت (علیهم السلام) داشته باشند و از آنها درخواست کنند فیض ولایی‌شان را در زندگی و فکر و نفس و روح و بیان و کلام و قلم‌شان ایجاد کنند. انس و خلوت با خدا و اولیای الهی برای همه طلاب ضروری است و مهم‌ترین عامل رشد معنوی آنهاست.

• اینکه می‌گویند منبری‌ها اجازه ندهند منبرشان عادی شود یعنی چه؟

یکی از نکاتی که اهل منبر مخصوصاً خطبای جوان باید به آن توجه کنند این است که هیچ‌گاه نباید اجازه دهند منبر به مسأله‌ای عادی تبدیل شود. یعنی تعدد مجالس برای یک منبری در یک روز و در طول سال نباید اجازه دهد این منابر برای او عادی شود. زیرا خداوند ضامن رزق ماست و باید بیش از اینکه به کمیت منابر فکر کنیم، به کیفیت و آثاری که در خود و بندگان خدا خواهیم گذاشت تفکر کنیم. قطعاً اگر این‌گونه باشد، هر دو وجه را با هم خواهیم داشت.

• مخاطبان شما را منبری‌ای می‌شناسند که



سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی: «در شش ماهه اول امسال تعداد ۲ میلیون و ۴۶ هزار و ۱۸۳ نفر میهمان سفره امام رضا (ع) شدند. این در حالی است که این آمار در سال گذشته یک میلیون و ۵۸۰ هزار و ۵۶۶ نفر بود. لازم به ذکر است از ابتدای امسال در این میهمان‌سرا با صبحانه و شام از زائرین پذیرایی می‌شود».



بیماری که شفا گرفت

حجت‌الاسلام سیدحسین مومنی که در طول این سال‌ها کرامت‌های زیادی از ائمه (ع) دیده، تعریف می‌کند: «شب تاسوعا در بم وقتی می‌خواستیم بالای منبر بروم دیدم کسی عیای من را می‌کشد. برگشتم دیدم آقای است که روی ویلچر نشسته. به من گفت حاج آقا! من از زابل به اینجا آمده‌ام. مدتی است مریض شده‌ام و آمده‌ام امشب شفای خودم را بگیرم. گفتم من بالای منبر می‌روم و دعا می‌کنم که خدا شما را شفا دهد. دوباره گفت حاج آقا! من از اهل سنت هستم اما با یک اعتقاد راسخ ۳۰۰ کیلومتر راه را کوبیده‌ام و به اینجا آمده‌ام. امشب برای من کاری بکنید. واقعا با این صحبت او به هم ریختم. رفتم بالای منبر و روضه خواندم. مردم شور گرفتند: ای اهل حرم میر و علمدار نیامد... نگاه که کردم دیدم ویلچر او خالی است. گفتم شاید حالش خراب شده و روی زمین افتاده. وقتی دور و اطراف منبر را نگاه کردم دیدم وسط حلقه عزاداران روی دو پای خود ایستاده و بر سینه‌اش می‌زند و می‌گوید ای اهل حرم میر و علمدار نیامد».



چیزی نمی‌تواند جای منبر را بگیرد

رسانه‌ها چقدر در ترویج فرهنگ حسینی موثرند و آیا می‌توان رسانه‌ها، خصوصا شبکه‌های اجتماعی را منبرهای جدید دانست؟ حجت‌الاسلام سیدحسین مومنی در این خصوص می‌گوید: «با پیشرفت علم و تکنولوژی، رسانه‌های خوبی برای کارهای تبلیغی درست شده ولی هنوز چیزی نتوانسته جای منبر را بگیرد. زیرا در عمل می‌بینیم هنوز این منبرها پرمخاطب‌ترین رسانه‌ها هستند و هزاران هزار جوان و خرد و کلان در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند. پس این مسأله نشان می‌دهد که مردم این رسانه را به عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های تبلیغی باور دارند. سخنرانی‌هایی که در کشورهای اروپایی انجام می‌شود و استقبال خارق‌العاده‌ای که از این جلسات به عمل می‌آید، نشان می‌دهد که با وجود این همه ابزار آلات رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی این منبرها توانسته‌اند در این میان بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشند».



به سخنرانی استاد انصاریان و مرحوم کافی داشته و دارم. امکان نداشت در بازار نواری از آنها باشد و من آن را تهیه نکرده باشم و بارها آن را گوش دهم. هر جا استاد انصاریان در قم و تهران سخنرانی داشتند حضور می‌یافتم.

● خیلی‌ها معتقدند شبیه شیخ حسین صحبت می‌کنید. نظر خودتان در این زمینه چیست؟

در سخنرانی‌هایم سعی کرده‌ام همواره با بهره‌گیری از دروسی که در این سال‌ها فرا گرفته‌ام، شیوه خاص خود را داشته باشم. با اینکه لحن سخنرانی بنده کمی شبیه استاد انصاریان است ولی نوع ورود و بیان مطالب و استفاده از مطالب و روضه و... من ابداعی و مختص خود من است. با اینکه گرفتاری‌های کاری زیادی دارم ولی روزی یک سخنرانی از خطبای کشور را گوش می‌دهم. هر روز ساعت ۷ صبح از منزل خارج می‌شوم ولی قبل از آن از برنامه سخنرانی وعظ کشور استفاده می‌کنم و هدفم استفاده از این سخنرانی‌هاست. همیشه سعی کرده‌ام از منبرهای وعظ کشور در سطوح مختلف استفاده کنم. زیرا در هر یک از آنها نکات قابل استفاده زیادی وجود دارد که بهره بردن از آنها کمک خاصی به افزایش توانایی من در ارائه مطالب می‌کند.

● نخستین بار جرقه شهرتتان در کجا خورده شد؟

مشهور شدن یا نشدن شأن و جایگاه والای معنوی ما را زیر سوال می‌برد و از ارزش آن می‌کاهد. اصلا شهرت امتیاز نیست که بگویم شهرت پیدا کردیم یا نکردیم. اگر قائلیم که «ان العزه لله جميعا» باید قبول کنیم که هیچ چیز دست ما نیست که بخواهیم به آن بیاچیم. من شهرت را امتیاز نمی‌بینم. کسی که به شهرت برسد، متوقف می‌شود و آفت‌های بسیاری دارد. به نظر من باید شهرت را به گونه‌ای دیگر معنا کنیم. احترامی که مردم برای ما قائلند به برکت سیدالشهداست. ما گدایان خیل سلطانیم و هرچه داریم از اوست.

● سابقه و ریشه مقتل خوانی به چه زمانی برمی‌گردد و چرا حضرت تعالی اینقدر بر قرائت مقتل روی منبر تاکید دارید؟

ما روضه را از حضرات معصومین آموخته‌ایم. علمای ما در قدیم روضه می‌خواندند. روضه‌خوانی یک کار فنی و عالمانه است و اصلا با شعر و نوحه و سبک قابل مقایسه نیست. سید بن طاووس، شیخ مفید و علامه مجلسی از مفاخر بودند و مرحوم شیخ جعفر شوشتری دارای رساله عملیه بود ولی در قدم اول همه آنها روضه‌خوان بودند. اهل این علم می‌دانند که روضه‌خوانی چقدر کار سختی است. حقیقتا امروز هیچ کاری همچون روضه خواندن برای ابعادالله الحسین (ع) راهگشا و تأثیرگذار نیست.

با داستان و روایت موضوعات را تبیین می‌کند. استاد انصاریان هم به همین سبک سخنرانی می‌کنند. این روش را برای جذب و تأثیرگذاری بهتر بر مستمعین مناسب می‌دانید؟

البته از این سبک در گذشته بیشتر استفاده می‌کردم و الان به ندرت این گونه وعظ می‌کنم. این شاید به اقتضای بالا رفتن سن و بالا رفتن سطح مطالبه مستمع برگردد. البته شاید عده‌ای بگویند داستان گفتن، شأن علمی منبری را پایین می‌آورد در حالی که من به این موضوع اعتقادی ندارم. وقتی حضرات معصومین می‌خواهند به موضوعات واکنش نشان دهند، در قالب داستان پاسخ می‌دهند. این موضوع باعث می‌شود در قلب مستمع اثر بگذارد. بالاخره این کار هنری است که بعضی از افراد دارند و استاد انصاریان در این عرصه صاحب سبک هستند.

● چه شد که تصمیم گرفتید در زمینه علوم دینی ادامه تحصیل دهید و وارد حوزه شدید؟

من در تهران به دنیا آمدم اما بزرگ شده قم هستم. البته ریشه و اصالت پدری‌ام به روستای خوئین زنجان برمی‌گردد ولی از طرف مادری تهرانی هستم. جد پدری بنده هم روحانی و از سادات بودند که در روز تاسوعا رحلت کردند و بنده نیز در سالگرد ایشان به دنیا آمدم. پدر بزرگم از ملازمین آیت‌الله نجفی بودند و ایشان را به عنوان عالمی صاحب نفس می‌شناسند. با اینکه ایشان را درک نکردم ولی با حضور در مقبره‌شان با این بزرگوار ارتباط دارم و از این طریق شخصیت وارسته و عجیب‌شان را درک می‌کنم. جد مادری‌ام نیز همیشه ما را به طلبه شدن تشویق می‌کردند و شخصیت موثری در شکل‌گیری علایق من در ابتدای این راه بودند. پدرم نیز روحانی و از طلاب بسیار زحمتکش بودند که پیش از انقلاب حضور مستمری در جلسات مذهبی داشتند. ایشان یک روحانی بسیار مسلط و قوی بودند. همه اینها باعث شد سال ۱۳۶۵ در ۱۳ سالگی وارد حوزه علمیه شوم. تحصیلاتم در آن زمان مقطع سیکل بود. از سال سوم طلبگی در مدارس علمیه مختلف از جمله کرماتی‌ها، مهدی موعود (ع)، آیت‌الله صدوقی، حوزه ولی عصر حاجی آباد و رسالت تدریس کرده‌ام و اکنون در سطح عالی، درس رسائل و مکاسب را در مدرسه آیت‌الله العظمی بروجردی درس می‌دهم.

● گویا علاقه خاصی به منبرهای شیخ حسین انصاریان دارید. درست است؟

من لذت منبر را پای منبرهای استاد انصاریان درک کرده‌ام. من در محله زادگاهم در حسینه و پای منبر و دعای کمیل ایشان بزرگ شدم. در حقیقت علاقه خاصی



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰

زهره تاجیک عضو هیأت علمی جامعه الزهراء (ع) «با آغاز ایام محرم متأسفانه خانم‌هایی با عنوان «خانم جلسه‌ای» تحت عنوان مداح و نوحه‌خوان روضه‌ها و اشعاری را در مراسم‌ها می‌خوانند که معلوم نیست منبع آنها کجاست! آنها از نظر سواد و تحصیلات در سطح پایینی قرار دارند و با مطالبی که معلوم نیست از کجا آورده‌اند تنها دنبال گرم کردن مجلس هستند. مسؤولان باید هوشیار باشند».





معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات برای هماهنگی برقراری ارتباطات زائرین اربعین به ایلام سفر کرد و گفت: «پراتورهای رایتل، ایرانسل و همراه اول تمامی پستهای مناسب ارتباطی برای برقراری ارتباط در مسیر کربلا، نجف و مهران را تامین خواهند کرد و علاوه بر این در کل مسیرها اینترنت رایگان برای زائرین تعبیه شده».

۱۳۴۴ هجری



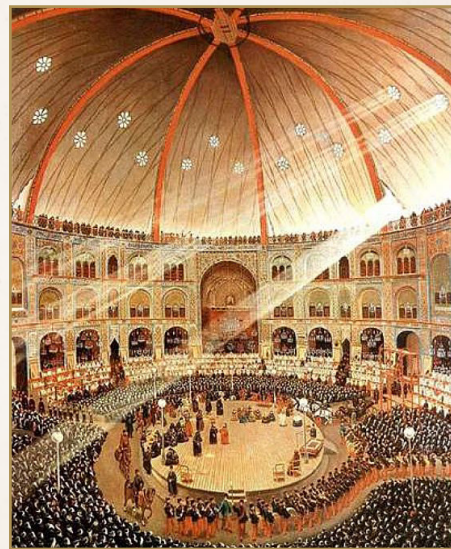
عزاداری عوامفریبانه رضاخان

رضاخان قبل از رسیدن به تخت پادشاهی و در اوایل حکومت، خود را فردی معتقد و پایبند اصول و سنت‌های مذهبی نشان می‌داد. از اقدامات عوام‌فریبانه او حضور در مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) در ماه محرم بود. او سربازان قزاق را در دستجات عزاداری حاضر می‌کرد و خودش در اول صف با سر و پای برهنه سینه می‌زد اما همین که جای پای خودش را محکم کرد، برای برچیدن اعتقادات مذهبی مردم دستور به تعطیلی مراسم عزاداری در محرم داد؛ تا آنجا که مردم به صورت مخفیانه برای امام حسین (علیه السلام) عزاداری می‌کردند. چنین خفقتانی باعث به وجود آمدن نوع دیگری از عزاداری شد که به صورت هفتگی یا ماهانه در منازل برگزار می‌شد.

۱۱۶۳ هجری

برپایی تعزیه

در دوران افشاریان و زندیان اشکال مختلف عزاداری نسبت به دوره‌های قبل گسترش بیشتری پیدا کرد و خیلی‌ها آغاز تعزیه‌خوانی را مربوط به دوران حکومت کریمخان زند می‌دانند. گویا در زمان پادشاهی کریمخان سفیری به دیدار او می‌رود و واقعه کربلا را توصیف می‌کند. بعد از این ماجرا کریمخان دستور می‌دهد صحنه‌هایی از وقایع کربلا را بسازند و از حوادث غم‌انگیز آن نمایش اجرا کنند که این کار به «تعزیه» معروف می‌شود. ابتدا این نمایش‌ها در چهارراه‌ها و میادین اصلی شهر برگزار می‌شد اما بعدها به بازارها، کاروانسراها، منازل و تکایا نیز کشیده شد.



۷۷۵ هجری

عزاداری شاهزادگان

بعد از به حکومت رسیدن تیموریان، علاوه بر مردم، شاهزادگان و بزرگان کشور نیز با فرا رسیدن ماه محرم لباس عزا می‌پوشیدند و با برپایی مراسم عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) سوگواری می‌کردند.

۱۴۳۵ هجری

روشنگری امام خمینی

در دوران حکومت پهلوی دوم نیز برای کمرنگ کردن مراسم عزاداری محرم تلاش زیادی صورت گرفت اما امام خمینی (علیه السلام) در عاشورای سال ۴۲ با سیاسی کردن این مراسم اهمیت آن را دوچندان کرد. دولت از علما می‌خواست در عزاداری‌ها علیه شاه و اسرائیل سخنی به میان نیاورند و مباحث سیاسی را پیش نکنند اما امام بدون توجه به این تهدیدات در مراسم عاشورا و دیگر مجالس عزاداری به شدت از دولت انتقاد می‌کرد و از آن به بعد بود که محرم تبدیل به شروع قیام مردم ایران علیه ظلم شد. بعد از پیروزی انقلاب هم دولت از تمامی مراسم مذهبی که آسیب‌زننده و مغایر با اصول و سنت‌های اسلامی نباشند حمایت می‌کند.



۱۲۰۰ هجری

برپایی آیین‌های مختلف عزاداری

در دوران قاجاریه تکابای زیادی شکل گرفت و می‌توان گفت عزاداری هم از نظر محتوا و هم از لحاظ کیفیت به تکامل رسید. در این دوران شبیه‌خوانی شیوه و روش خاص خود را پیدا کرد و چندین تکیه و ساختمان برای برگزاری تعزیه‌خوانی ساخته شد. حتی به دستور ناصرالدین‌شاه «تکیه دولت» با گنجایش هزار تماشاگر ساخته شد. حتی عده‌ای معتقدند در دوران قاجار بسیاری از آیین‌های مربوط به عزاداری امام حسین (علیه السلام) مرسوم شد که از آن جمله می‌توان به برپایی سقاخانه، سخنوری، مراسم دفن شهدای کربلا و مراسم تشت‌گذاری اشاره کرد.



۹۰۷ هجری

برپایی حسینه‌ها و سرودن اشعار حسینی

پس از به قدرت رسیدن پادشاهان شیعه‌مذهب صفوی، عزاداری امام حسین (علیه السلام) با شکوه بیشتری در کشور برپا می‌شد. در این دوران سرودن اشعار مذهبی، مدح و تعزیه در رثای ائمه و شهدای کربلا برای شاعران افتخاری بزرگ بود. در همین دوره کتاب «روضه‌الشهدا» نوشته شد و از روی آن روضه خوانده می‌شد. همچنین تکیه‌ها، حسینه‌ها و موقوفات مربوط به امام حسین (علیه السلام) در ایران فعال شد. آن طور که در تاریخ آمده مغول‌ها و گورکانیان هند نیز با الگوبرداری از صفویان، در ماه محرم مراسم عزاداری برگزار می‌کردند.



یک میلیون قطعه مهر تربت کربلا جایگزین مهرهای حرم مطهر رضوی شد. این محموله متبرک اهدایی از سوی آستان مقدس حضرت عباس (علیه السلام) به حرم مطهر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بود که همزمان با ماه محرم جایگزین مهرهای نماز صحن و سرای رضوی شد.

عزاداری محرم در شهرهای مختلف چگونه برگزار می شود؟

جغرافیای عاشقی

زهرة پورطاهریان

صدها سال است که در کشور مادر ایام محرم آئین های عزاداری مختلفی برگزار می شود که یک هدف رادانبال می کنند اما به دلیل تفاوت های اجتماعی و فرهنگی روستاها و شهرهای ایران هر کدام با آداب و رسوم خاصی انجام می شوند به طوری که گاهی اوقات حتی در برخی از محله های یک شهر هم شیوه سوگواری ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) فرق می کند. اگر می خواهید با برخی از این آئین ها آشنا شوید خواندن این دو صفحه را از دست ندهید.



آستان مقدس حضرت عباس (علیه السلام)

یزد

نخل نمادی از تابوت امام حسین (علیه السلام)

یکی از معروف ترین و خاص ترین عزاداری های ایام محرم مختص یزدی هاست و همه این معروف بودن ها و شکوه مراسم به خاطر آئین نخل برداری است. نخل نماد تابوت امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلاست که از جنس چوب و به شکل برگ درخت خرما با سرو است و هیچ شباهتی به درخت نخل ندارد. مردم یزد از کوچک و بزرگ گرفته تا زن و مرد برای ساخت نخل کمک می کنند. حتی زرتشتیان ساکن این شهر هم سعی دارند خودشان را در ساختن این نخل به گونه ای سهیم کنند. مراسم آیین بندی و آماده کردن نخل ها برای برپایی عزاداری محرم یکی از برنامه های عمومی مردم استان یزد است. وزن این نخل ها معمولاً به چند تن می رسد و چندین نفر باید آنها را بلند کنند. نخل های میدان امیر خنماق، میدان امام تفت و میدان مهریز جزو برگ ترین نخل ها هستند و خیلی از مردم یزد درخت هایشان را وقف ساخت نخل ها می کنند.

نخل ایام محرم یزد

دزفول

آئین نخل گردانی

یکی از مراسم های سنتی دزفول در دهه اول محرم آئین نخل گردانی است. بزرگ ترین نخل در دزفول نخل «کلبی خان» است که از اتاقک های کوچکی با طاق های قوسی شکل تشکیل می شود. دو صفحه چوبی مثبت کاری شده شبیه ایوان به ارتفاع پنج متر و پهنای سه متر با کنگره و پوشش اکلیل های طلایی و آینه کاری شده در وسط این طاق قرار دارد که با چوب و با فاصله دو متری به هم وصل شده اند. نخل دارای چهار پایه است و چهار کرسی چوبی به ارتفاع یک متر در بین آنها قرار دارد و روی چوب بست ها با پارچه های سبز پوشیده شده. برای حمل نخل در اطراف آن چوب های ۱۰ تا ۱۲ متری قرار می دهند و نخل در وسط چوب ها قرار می گیرد و ۵۰ نفر نخل را روی دوش خود حمل می کنند. قدیم ترها پهلوانان شهر این کار را انجام می دادند و نخل کلبی خان در دستجات عزاداری پیشاپیش نخل های دیگر حمل می شد اما چند سالی است که نخل کلبی خان دیگر در شهر به حرکت در نمی آید و در ایام محرم در محله کلبی خان (کلب علی خان) که بنیانگذار این نوع نخل بوده به نمایش گذاشته می شود.

آستان مقدس حضرت عباس (علیه السلام)

بوشهر

نواای حزن انگیز دمام

آوای غم انگیز نوحه خوانی و نوازندگی سنج و دمام بوشهری ها معروف است. سینه زنی در بوشهر سبک خاصی دارد که امروزه به سایر شهرهای جنوب به ویژه خرمشهر، اهواز و دزفول هم سرایت کرده. سینه زنی بوشهری به این صورت است که نوحه خوان در وسط می ایستد و بین ۵ تا ۲۰ حلقه انسانی دور او تشکیل می شود. سینه زنان به صورت دایره ای شکل می چرخند و حرکت پایشان با نواای نوحه خوان هماهنگی دارد. اوج اجرای سینه زنی، هنگام اعلام «واحد» توسط نوحه خوان است. نوحه خوان پس از یک مکث کوتاه با صدای رسا می گوید «واحد» و گروه سینه زن یک صدا جواب می دهند «الله واحد». نوحه خوان نوحه واحد را مطابق و مناسب با روز عزای خواند. چهار محله قدیمی بوشهر از دیرباز به برپایی مراسم سوگواری سید و سالار شهیدان می پردازند و بوشهری ها از شب های ابتدایی محرم بیشتر به آنجا می روند. در شام غربان بوشهری ها در حالی که علم ها را به صورت خوابانده حمل می کنند، با حرکت در معابر عمومی و اجتماع در مساجد، تکایا و حسینیه ها با خاموش کردن چراغ ها در غم شهدای کربلا و اهل بیت (علیهم السلام) اشک ماتم می ریزند.

آستان مقدس حضرت عباس (علیه السلام)

نخل ایام محرم بوشهر

یزد



خرمشهر

نجف ثانی

خرمشهر در میان محلی ها با نام «نجف ثانی» شناخته می شود. در این خصوص دلایل متعددی ذکر شده. قرابت با نجف اشرف و بالا بودن تعداد اماکن مذهبی از مهم ترین دلایلی است که درباره اطلاق این نام ذکر شده. براساس آماری که از مرکز تبلیغات اسلامی خرمشهر ارائه شده، در این شهر نه چندان وسیع به لحاظ جغرافیایی حدود ۷۰ مسجد فعال است و تعداد حسینیه های آن عدد ۴۵۰ را نشان می دهد. به گفته یکی از ساکنین خرمشهر (عبدالامام زبیری) در ایام محرم در هر کوچه و خیابانی تکیه ای برپا می شود به طوری که در ۱۰ روز اول محرم حدود ۶۰۰ تکیه در شهر فعال می شود. مردم خرمشهر اعتقادات خاصی دارند و در برگزاری مراسم های عزاداری ایام محرم آن را رعایت می کنند.

آستان مقدس حضرت عباس (علیه السلام)

نخل ایام محرم خرمشهر



نخل ایام محرم خرمشهر



هاشم صلاحی مسؤول هیأت ستاد مردمی خراسان: «ترم افزار» تکیه تولید شد. این ترم افزار به همت هیأت یالثارات الحسین (علیهم السلام) و گروه رسانه‌ای تولید شده. به این صورت که با شاعران و مداحان ارتباط گرفتیم و شعرهای مناسب و مورد نیاز با سبک خاص آنها را جمع آوری کردیم. این ترم افزار برای تلفن‌های همراه اندروید قابل نصب و شامل مقتل، منبر، شعر، زنجیرزنی و... است.



تشت گذاری در ۲۰۰ مسجد

یکی از کهن‌ترین آیین‌های عزاداری محرم در کشور آیین تشت‌گذاری یا تشت‌گردانی مردم اردبیل است. این مراسم که نماد تشنگی اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و اصحاب آن حضرت است از سه روز مانده به محرم در بیش از ۲۰۰ مسجد شهر برگزار می‌شود. شهر اردبیل از دیرباز صاحب شش محله اصلی بوده که هر کدام آنها شامل کوچه‌ها و مساجد کوچک‌تری هستند که در زبان محلی به آنها «خولا» به معنای شاخه می‌گویند. عزاداری محرم در اردبیل از گذشته در همین محله‌ها برگزار می‌شده. در مساجد اردبیل سکوهای وجود دارد که روی آنها تشت‌های بزرگ مسی و برنجی می‌گذارند و این تشت‌ها از سه روز مانده به محرم در سنت تشت‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. آن طور که می‌گویند نخستین تشت‌گذاری شهر پس از نماز مغرب روز بیست و هفتم ذی‌الحجه در مسجد جامع شهر توسط عزاداران محله «طوی» که یکی از محله‌های شش‌گانه اردبیل است برگزار می‌شود و بعد از آن در دیگر مساجد شهر مثل مسجد اعظم، حسینیه اوچدکان و... نیز آیین تشت‌گذاری با حضور مردم و ریش‌سفیدان هر محله انجام می‌شود.

وکتل و گهواره

آلت از عمارت و آلت از عمارت



اردبیل

ارومیه

زنجان



دومین قربانگاه جهان

بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین مراسم عزاداری محرم در ایران مربوط به شهر زنجان است. سال‌هاست در عصر روز هشتم محرم و شب تاسوعای حسینی بزرگ‌ترین دسته عزاداری جهان از حسینیه اعظم زنجان به طرف امامزاده سیدابراهیم (علیه السلام) حرکت می‌کند. این روز در زنجان به «یوم الإیلاف» مشهور است. علاوه بر مردم زنجان، عده زیادی از شهرهای اطراف و استان‌های آذربایجان و حتی کشور آذربایجان خود را به این شهر می‌رسانند تا در این مراسم کهن شرکت کنند. در دسته عزاداری زنجان‌ها طبل، سنج و علم وجود ندارد و خیل عظیم عزاداران نوحه‌های قدیمی را با هم زمزمه می‌کنند و اشک‌ریزان بر سر و سینه می‌زنند که دیدن این صحنه هر بیننده‌ای را دگرگون می‌سازد. در مسیر دسته عزاداری هزاران رأس شتر، گاو و گوسفند ذبح می‌شود طوری که خیلی‌ها معتقدند حسینیه اعظم زنجان دومین قربانگاه جهان اسلام بعد از سرزمین مناسبت. علاوه بر این، مردم عزادار نذورات خود اعم از دام زنده و پول برای بیش از ۱۰ هزار قربانی دیگر را به حسینیه اعظم اهدا می‌کنند.



دزفول

بوشهر



علم و کتل و گهواره

عشق مردم ارومیه و عزاداری‌های جانسوز آنها برای سیدالشهدا (علیهم السلام) همیشه زبانه زده و این عشق و علاقه تنها به مسلمانان محدود نمی‌شود. تاسوعا و عاشورای حسینی در محله‌هایی از ارومیه و دیگر شهرهای آذربایجان که اقلیت‌های مذهبی در آنها سکونت دارند، مسیحیان زیادی را می‌توان دید که در مسیر دستجات عزاداری می‌ایستند و برای امام حسین و حضرت عباس (علیهم السلام) اشک ماتم می‌ریزند و حاجت خود را طلب می‌کنند. در دستجات عزاداری مردم استان از نمادهایی مثل علم و کتل و گهواره به یاد حضرت علی‌اصغر (علیه السلام) و اسب به عنوان مظهر ذوالجناح استفاده می‌شود. به اعتقاد مردم نذری دادن به گهواره موجب شفای کودک بیمار و نذری دادن به اسب موجب گشایش در کارها می‌شود. از جمله نذری‌هایی که مردم در این ایام می‌دهند می‌توان به نان قنبر، شیر داغ و حلوا اشاره کرد.

وکتل و گهواره

آلت از عمارت و آلت از عمارت





مکان پنجره طلایی صحن جمهوری اسلامی حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) تغییر کرد. سیدخلیل منبئی معاون اماکن متبر که و امور زائرین آستان قدس رضوی گفت: «پنجره فولاد صحن جمهوری اسلامی حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) در راستای تسهیل مسیر تردد زائرین در رواق دارالولایه به سمت ضریح مطهر به دستور تولیت آستان قدس رضوی اندکی جابه‌جا شد».



دو شاعر پیشکسوت بازمانده

یکی از عمده تفاوت‌های برگزاری این انجمن با دیگر انجمن‌های شعر در سطح کشور این بود که وقتی شاعر اولین بیت خود را قرائت می‌کرد، از طرف همه اعضا به نقد گذاشته می‌شد و این مجلس این ظرفیت را داشت که بتواند شاعران خوبی را در طول تقریبا ۷۰ سال تربیت کند. بیشتر شاعران این انجمن دارای کتاب هستند. از اعضای مشخص آن می‌توان به برادران عطارنژاد، حسین بارگاهی، حسین وزیری و حسن نوارچی اشاره کرد که در برپایی این انجمن نقش مستقیمی داشتند. در حال حاضر حسین زارع متخلص به «خائف» ۸۳ ساله (سراینده ۲۵ هزار بیت شعر) و مهدی جوادی متخلص به «توبهار» ۷۴ ساله (سراینده ۳۰ هزار بیت شعر) از شاعران پیشکسوت این انجمن هستند.



نوادگان عطار نیشابوری

برادران عطارنژاد از اعضای اصلی انجمن، سال‌ها در شهرری عطاری داشتند و در این زمینه صاحب نظر بودند و این شغل در خانواده آنها قدمت چند صد ساله دارد. طبق شجرنامه این خانواده، نسب آنها به عطار نیشابوری می‌رسد. محمدرضا، محمدتقی و محمدجواد عطارنژاد علاوه بر تخصص عطاری، توجه ویژه‌ای به شاعری داشتند. امیر محمد عطارنژاد پسر محمدرضا عطارنژاد در مورد فعالیت‌های پدرش در انجمن شعر و ادب شهرری و ارتباط این انجمن با شعر و ادب ایران در دهه ۵۰ می‌گوید: «پدرم یک روز در هفته به کوه‌های اطراف تهران می‌رفت تا داروهای گیاهی را که قبلا شناسایی کرده بود جمع‌آوری کند و با همان گونی داروهای گیاهی به انجمن وارد می‌شد و همیشه مورد توجه ریاست انجمن (محمدعلی ناصح) قرار می‌گرفت. پدرم به سبک هندی (سبک صائب تبریزی) شعر می‌سرود. اگر همه شاعران یک شعر می‌خواندند، آقای ناصح از پدرم درخواست می‌کرد دو شعر بخواند». محمدرضا عطارنژاد صاحب کتاب «گوهر معرفت» رابطی بین انجمن شعر شهرری و ایران شده بود و بسیاری از نقدها و نظرها را برای پیشبرد انجمن در شهرری انجام می‌داد. بعد از مرگ محمدعلی ناصح، خطیب رهبر به ریاست انجمن منسوب شد. بنابر درخواست همسر محمدعلی ناصح، انجمن در منزل مرحوم ناصح برگزار می‌شد و همچنان از اعضای انجمن شعر و ادب شهرری دعوت می‌شود در محفل شاعران ایران قرار بگیرند.

طاعت مقبول جز با مهر هشت و چار نیست

یار در دل حاضر و دل روز و شب جویای او / غافل آنکه غیر از او در ملک دل دیار نیست
دل اگر دل شد نخواهد غیر آن دلدار کس / زآنکه کس زببند دل غیر آن دلدار نیست

پاک کن چشم از نگه غیره ای دل وز گناه / دیده ناپاک آری درخور دیدار نیست

پرده پندار را کن خرق با نیروی عشق / چون حجابی در میان جز پرده پندار نیست

طوطیا بر لوح دل زن مهر مهر هشت و چار / طاعت مقبول جز با مهر هشت و چار نیست

از اشعار ابوالحسن توحیدی متخلص به «طوطی»

یک بند از دوازده بند ترکیب عاشورایی

در هر صحیفه نام محرم نوشته‌اند / نام عز و وقعه ماتم نوشته‌اند
این ماه را به دفتر مستوفیان غیب / از ماه‌ها به تبه مقدم نوشته‌اند

از اشعار ابوالحسن توحیدی متخلص به «طوطی»



گزارشی از یک مجلس شعر حسینی که بیش از هفتاد سال قدمت دارد

انجمن شاعران ماندگار

سودابه رنجبر

نقطه آغاز این انجمن به قبل از دهه ۳۰ برمی‌گردد. درست در روزهایی که حکومت پهلوی در برقراری مجالس مذهبی و روضه‌خوانی در تهران و دیگر شهرهای کشور سختگیری می‌کرد و هیأت‌ها اجازه برگزاری مجالس مذهبی نداشتند، انجمنی در جوار حرم عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) شکل گرفت تا پرچم حسینی به گونه‌ای دیگر برافراشته بماند. همان زمان اشعار این انجمن ادبی که بیشتر مضمون آنها در مدح و شهادت اهل بیت (علیهم السلام) بود به اوج خود رسید. حتی روضه‌خوانان و مداحان اهل بیت نیز به این انجمن شعر و ادب راه پیدا کردند. اکنون که تقریبا ۷۰ سال از عمر انجمن شعر و ادب شهرری می‌گذرد، شاعران پیشکسوت و جوان بسیاری به این انجمن سر می‌زنند؛ هر چند بنیانگذاران این انجمن در قید حیات نیستند. مهدی جوادی از شاعران پیشکسوت این انجمن اطلاعات خوبی در اختیار ما قرار داد. در این مطلب با ما همراه شوید تا از فعالیت‌های این انجمن بیشتر بدانید.

۱۳۵۰ که هنوز درگیری‌های جدی بین رژیم و تجمعات خانگی به وجود نیامده بود، انجمن در خیاطخانه طوطی همدانی برگزار می‌شد اما با وجود اینکه کوچه پاچنار یکی از کانون‌های مجالس ضدرژیم بود، انجمن شعر و ادب به صورت گردشی هر شب در محل زندگی هر یک از اعضا برگزار می‌شد. اتفاقا اوج رونق انجمن ادبی در همین سال‌ها بود که بیش از ۵۰ عضو داشت.

آغاز انقلاب و اوج شعر

انجمن شعر و ادب شهرری در سال‌های دهه ۵۰ در ساعات آخر شب برگزار می‌شد. اکثر افرادی که در این انجمن شرکت می‌کردند کسبه محل بودند مثل قصاب، خیاط، نخریس (طناب‌باف)، پینه‌دوز و کشاورز. البته در بین آنها شعراي بودند که اشعارشان در مدح انبیا و اولیا بود که مداحان و روضه‌خوانان شهر را تشکیل می‌دادند. با شروع انقلاب، شعر مداحی و روضه‌خوانی به اوج خود رسید و بسیاری از اشعار که از این انجمن بیرون می‌آمد، در مداحی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. در حال حاضر افرادی که همچنان عضو انجمن ادبی شعر شهرری هستند پیشکسوت شده‌اند و از آنها به عنوان «پیرغلامان اهل بیت» یاد می‌شود.

انجمن شعر و ادب شهرری در سال‌های نخست تشکیل در محله‌ای به نام «سرتخت» با حضور دائمی ادبا و شعرا در پاتوق میرزا ماشاءالله پورفیض که در اتاقک کوچک داخل قبرستان قرار داشت تشکیل می‌شد. این انجمن به نام «انجمن باغ فیض» شهره شد. آن موقع تعداد شاعرانی که در این انجمن شرکت می‌کردند به ۱۵ نفر هم نمی‌رسید اما خروجی خوبی داشتند؛ به طوری که تمام افرادی که در آن برهه زمانی در انجمن باغ فیض شرکت می‌کردند دیوان اشعارشان را به چاپ رساندند و حتی اشعار برخی از اعضا هنوز در یاد و خاطره شاعران انجمن باقی مانده.

معلم اخلاق و نقاد شعر

بعد از فوت میرزا ماشاءالله، انجمن باغ فیض به دکان خیاطی ابوالحسن توحیدی در کوچه پاچنار و خیابان حرم حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) منتقل شد. حاج آقا فتوحی و ابوالحسن توحیدی ملقب به «طوطی همدانی» صاحب کتاب‌های مناجات‌نامه، مفتاح المحبه، شکرستان (مدح ائمه) و هدی‌نامه (غزلیات) سال‌ها ریاست انجمن را برعهده داشتند. طوطی همدانی به دلیل مردم‌داری و کسب فضایل اخلاقی، معلم اخلاق جوان‌ها و نقاد شعر به حساب می‌آمد. تا سال‌های



حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان درباره اینکه چرا عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) از ابتدای ماه محرم آغاز می شود، گفت: «امام رضا (علیه السلام) فرموده اند وقتی ماه محرم شروع می شد، دیگر کسی پدرم را خندان نمی دید و هر روز ناراحتی او بیشتر می شد تا روز دهم محرم. پس وقتی روز دهم می رسید، آن روز مصیبت و اندوه و گریه او بود. عزاداران قبل از عاشورا با ۱۰ شب عزاداری می توانند خود را برای حضور در غم بزرگ عاشورا آماده کنند».



آداب عاشورایی ها

تاسوعا و عاشورا هم مثل اکثر مناسبت ها آداب و اعمالی دارد که بهتر است یکبار برای همیشه آنها را بخوانید و به یاد داشته باشید. درباره مستحبات تاسوعا گفته اند اگر کسی این توفیق را داشته باشد که در این شب در کربلا باشد و امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند، با شهدا محشور می شود. نفرین و لعن بر قاتلان آن حضرت و گریه و نوحه و مصیبت و خواندن زیارت عاشورا هم در اعمال توصیه شده این روز و فردایش آمده است. درباره عاشورا هم به احیای شب عاشورا سفارش شده و از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده: «در شب عاشورا چهار رکعت نماز و در هر رکعت یک مرتبه حمد و ۵۰ مرتبه سوره توحید را بخوانید. وقتی در رکعت چهارم سلام نماز را گفتید، ذکر خدا را بسیار بگویید و بر رسول خدا صلوات بفرستید و تا مقداری که ممکن است بر دشمنان اهل بیت لعنت بفرستید». درباره نماز دیگر این شب هم گفته اند: «۱۰۰ رکعت نماز بجا می آوری در هر دو رکعت با یک سلام که در هر رکعت یک مرتبه حمد و سه بار سوره توحید را می خوانی و پس از پایان این نمازها، ۷۰ بار می گویی: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

در آداب روز عاشورا هم آمده: «در این روز دست از کار بکشید و نیازهای خانه را در این روز تهیه و ذخیره نکنید و مشغول عزاداری و نوحه سرایی باشید و مثل کسانی که عزیزترین کس خودشان را از دست داده اند اندوهگین باشید». از امام رضا (علیه السلام) روایت کرده اند که فرموده: «هر کس در روز عاشورا دست از تلاش برای دنیا بردارد، خداوند حاجت های دنیوی و اخروی او را برآورده می کند و هر کس روز عاشورا، روز اندوه و غم و گریه اش باشد، خداوند روز قیامت را روز سرور و شادی او قرار می دهد و در بهشت با دیدار ما، چشمش روشن می شود و هر کس که روز عاشورا را برای خود روز برکت بداند و در آن روز برای منزل خودش اموالی را ذخیره کند، آن اموال برای او برکتی خواهد داشت». خواندن هزار مرتبه سوره توحید در روز عاشورا و تسلیت گفتن به یکدیگر از توصیه های دیگر درباره این روز است. گفتن ۷۰ مرتبه «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم» در عاشورا مستحب است. چون این ذکر، ذکر امام حسین (علیه السلام) بود و با این ذکر به قلب دشمن می زد و برمی گشت و می فرمود: «لا حول ولا قوة الا بالله». امشب ۷۰ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» هم وارد است.



مناجات نامه

✱ خداوند! دست های ما را از ستم و تعدی و سرقت باز دار و چشم ها و نگاه های ما را از خیانت و معصیت و آلودگی بیوشان و راه گوش هایمان را بر هر چه غیبت و لغو و بیهودگی ببند.

✱ خداوند! بر تن علمای مال باس زهد و نصیحت بیوشان و چشمه های تلاش و کوشش و رغبت را از درون دانش اندوزان ما بجوشان و به شنوندگان ما جرعه ای از شهد پذیرش و پیروی بنوشان.

سید مهدی شجاعی

چهارده + ضمیمه هفتگی روزنامه قدس +

ویژه هیأت ها و محافل مذهبی

مدیرمسئول: ایمان شمسایی

دبیر ویژه نامه: رضا صادی

طراح نامواره: محمد صمدی

با همکاری موسسه فرهنگی هنری عقیق www.aghigh.ir

www.gudsonline.ir



این هیأت با همه هیأت ها فرق می کند؛ هیأتی متفاوت در حسینی های متفاوت. یا حسین های این کودکان گوش فلک را پر می کند

حسینیة کودک مکانی برای عزاداری بازبان کودکان



کتاب

ماه به روایت آه

از دیدن اسم ابوالفضل زرویی نصرآباد روی جلد یک رمان مذهبی نباید تعجب کنید. طنزپرداز و شاعر شیرین سخن روزگار ما به پیشنهاد سیدمهدی شجاعی کتابی درباره زندگی حضرت ابوالفضل (علیه السلام) نوشته که از قضا خواندنی و مستند از آب درآمده. او برای نوشتن این کتاب به بیش از ۶۰ منبع پژوهشی تألیف شده درباره زندگی علمدار کربلا رجوع کرده و با پرهیز از روایت محض، به انتخاب ۱۲ راوی برای ترسیم هر بخش از زندگانی حضرت عباس (علیه السلام) دست زده است. شخصیت هایی مانند امام حسین (علیه السلام)، حضرت زینب (علیه السلام)، مسلم بن عقیل، ام البنین، ام کلثوم، لبابه، عبدالله بن ابی محل، کزمان، زید بازارگان، شیبث بن ربیع، سرجون و عبیدالله بن عباس بن علی.



کانال تلگرام



کریمی در فطرس

هیأت رایبه العباس (علیه السلام) سال هاست در امامزاده علی اکبر چیدر برگزار می شود و آن را با اسم محمود کریمی می شناسند. اگر می خواهید همیشه به صورت آنلاین در جریان باشید که در مجالس کریمی چه می گذرد، در کانال تلگرام «فطرس» عضو شوید. این کانال مراسم ها را به طور زنده پوشش می دهد و پس از مراسم هم گزیده های از مراسم را به صورت ویدئو و صوت منتشر می کند. هفته پیش آرشو صوتی محبوب ترین نوحه های محرم محمود کریمی در سال های گذشته در این کانال منتشر شد که می توانید با دسته بندی موضوعی آنها را دانلود و گوش کنید. برای عضویت در کانال «فطرس» به نشانی [telegram.me/fotros_ir](https://t.me/fotros_ir) سر بزنید.

۱۳۳۶
عکاسی سرتو

هدیه ویژه نامه ۱۴ در ایام محرم حسینی

تصویر دیدنی از جمعیت حسینی تهران - ۱۳۳۶

چهارک سرخوردیکند و زیارت
کبریا در کشتن پرستش باشد

جمعیت حسینی تهران
۱۳۳۶

ز دوستی چشمت ز شیخم از حقان
یکدم حسین را شنیدم و انکس باید

چهارم
شعبه فرهنگی روزنامه کهربا
مجله فرهنگی و اجتماعی

